



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	سازمان سنجش و آموزش کشور	۱۳۹۸/۷/۲۳	رای شماره ۱۴۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۱۱ شیوه‌نامه اجرایی آزمون ورودی دکتری دوره (p.h.d) در سال ۱۳۹۷ مصوب سازمان سنجش و آموزش کشور
۳	شورای اسلامی شهر جویبار	۱۳۹۸/۷/۲۳	رای شماره ۱۴۸۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۳ مصوبه شماره ۱۸۲-۱۳۹۴/۸/۹ مصوب شورای اسلامی شهر جویبار
۴	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۷/۲۳	رای شماره ۱۴۹۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۵	هیأت تقسیم اسناد شهرستان بروجرد	۱۳۹۸/۷/۲۳	رای شماره ۱۴۹۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال صور تجلسه شماره ۱۱۴/۲/۲۸۲۷-۱۳۹۴/۲/۶ هیأت تقسیم اسناد شهرستان بروجرد
۵	اتاق اصناف ایران	۱۳۹۸/۷/۲۳	رای شماره ۱۴۹۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۴ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران موضوع تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون نظام صنفی
۶	شورای اسلامی شهر حمیدیا	۱۳۹۸/۶/۵	رای شماره ۱۵۰۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تبصره ۲ ماده ۵۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر حمیدیا
۷	شورای اسلامی شهر میانه	۱۳۹۸/۶/۲۶	رای شماره ۱۳۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه
۹	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۷/۱۶	رای شماره ۱۳۱۰/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعمال مقررات ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رای شماره ۱۳۱۰-۱۳۹۸/۸/۲۶ و تسری ابطال مصوبه باطل شده به زمان تصویب آن
۱۰	دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی	۱۳۹۸/۷/۱۶	رای شماره ۱۴۵۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال معافیت مشمولین استخدامی ۲۵٪ ایثارگران از شرکت در آزمونهای استخدامی
۱۱	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۷/۳۰	رای شماره ۱۵۰۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: عدم احتساب ایام مرخصی زایمان به عنوان جزئی از طول دوره تعهد خدمت دستیاران تخصصی پزشکی
۱۲	شورای اسلامی شهر همدان	۱۳۹۸/۷/۳۰	رای شماره ۲۳۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۱۳ تعرفه مصوب عوارض سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر همدان
۱۳	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۳۹۸/۷/۳۰	رای شماره ۲۳۱۳ الی ۲۳۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ایام بهره‌مندی از مرخصی زایمان جزو دوره تعهد خدمت پزشکان متخصص دوره دستیاری پزشکی محسوب نمی‌شود
۱۵	شورای اسلامی شهر خارگ	۱۳۹۸/۷/۳۰	رای شماره‌های ۲۳۱۹ و ۲۳۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تعرفه شماره ۵۰۴-۹۶ موضوع مصوبه شماره ۱۷/۸۰۷/ش-خ-۱۳۹۵/۱۱/۱۳ شورای اسلامی شهر خارگ
۲۰	هیأت وزیران	۱۳۹۸/۷/۳۰	رای شماره ۲۳۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال قسمتی از ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۲/۶۶۰-۱۲/۵۷۲-ه-۵۰۵۷۲-۱۳۹۳/۱۰/۱۴ هیأت وزیران

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۷۰۲۹۳۴

۱۳۹۸/۸/۱۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۸۷ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با موضوع «ابطال بند ۱۱ شیوهنامه اجرایی آزمون ورودی دکتری دوره (p.h.d) در سال ۱۳۹۷ مصوب سازمان سنجش و آموزش کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۲۳ شماره دادنامه: ۱۴۸۷ شماره پرونده: ۲۹۳۴/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای جمشید سرباز جمشید

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱۱ شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی دوره دکتری سال ۱۳۹۷ مصوب سازمان سنجش آموزش کشور مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه دانشگاه تبریز در سال ۱۳۹۷

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۱۱ شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی دوره دکتری در سال ۱۳۹۷ مصوب سازمان سنجش آموزش کشور مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه دانشگاه تبریز در سال ۱۳۹۷ در خصوص مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است:

«به استحضار می‌رساند از زمان برگزاری آزمون دکتری تخصصی به صورت نیمه‌متمرکز طی سالهای مختلف رویه‌های متفاوتی در پذیرش دانشجو و تبعاً چگونگی احتساب تاثیر نمره مرحله آزمون متمرکز و مرحله مصاحبه مورد عمل قرار می‌گرفت که به دلیل اعمال سلیقه‌های متعدد از جانب دانشگاه‌ها در پذیرش نهایی دانشجویان و جهت جلوگیری از بی‌عدالتی و اجحاف در حق آن دسته از دانشجویان، نهایتاً مجلس شورای اسلامی برای پایان دادن به این موضوع و ایجاد رویه واحد عمل شده و قانون «سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» را در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ به تصویب رسانید. بند ب ماده ۱ این قانون در واقع هدف غایی از تصویب آن را «ایجاد وحدت رویه و هماهنگی در بین دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی و ایجاد فضای رقابتی یکسان و برقراری عدالت آموزشی برای کلیه داوطلبان تحصیلات تکمیلی» بیان کرده و در بند الف ماده ۵ معیار پذیرش دانشجو در دوره دکتری آموزشی - پژوهشی را عبارت از ۵۰ درصد نمره آزمون متمرکز، ۲۰ درصد نمره سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری و ۳۰ درصد نمره مصاحبه علمی و بخش عملی ذکر کرده و در واقع قبولی نهایی در دانشگاه را تابع ۵۰ درصد نمره آزمون متمرکز سازمان سنجش و ۵۰ درصد مصاحبه تخصصی دانشگاه (مصاحبه و بررسی سوابق آموزشی و پژوهشی) دانسته است. یعنی باید در نمره نهایی دانشجویان پذیرفته شده نمره آزمون متمرکز به میزان ۵۰ درصد اعمال نقش نماید. حال آن که تعدادی از دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه تبریز حتی پس از تصویب این قانون با اعمال رویه «قرار دادن حد نصاب برای قبولی در مرحله دوم» عملاً و صراحتاً موجب نقض قانون فوق‌الاشعار گردیده و در نهایت باعث پذیرش داوطلبان با نمره پایین‌تر نهایی و مردودی داوطلبان با نمره بالاتر نهایی می‌شوند. موضوع شایسته و جالب توجه تر از این، اقدام سازمان سنجش در تصویب و ابلاغ شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی دکتری و اعطای اختیار به دانشگاه‌ها در قرار دادن حد نصاب مورد بحث در مرحله مصاحبه جهت پذیرش دانشجو در ماده ۱۱ آن می‌باشد. در صورتی که سازمان فوق باید مجری قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی در زمینه پذیرش دکتری باشد نه ناقض آن. قطعاً ذکر چند مثال و نمونه کمک شایانی به روشن تر شدن مسئله و تشخیص اذهان خواهد گردید. به‌عنوان مثال اگر نفر اول آزمون دکتری را در نظر بگیریم که برای مصاحبه به دانشگاه تبریز دعوت شده و موافق به کسب حد نصاب قرار داده شده که معمولاً نمره ۲۵ می‌باشد، نشود و مثلاً نمره او ۲۴،۵ باشد از رقابت با سایر داوطلبان به طور اتوماتیک کنار گذاشته می‌شود و فرد دیگر با رتبه مثلاً ۵۰ ولی حائز حد نصاب ۲۵،۱ در چرخه رقابت باقی بوده و نهایتاً قبول می‌شود. حال آن که نمره نهایی این دو داوطلب (حاصل جمع آزمون متمرکز و مرحله مصاحبه) به هیچ وجه قابل مقایسه نبوده و نمره نهایی فرد قبول شده از نمره نهایی فرد مردود شده بسیار پایین تر است. موضوعی که قطعاً و یقیناً نقض آشکار قانون صدراشعار

و مغایر هدف و نیت مقنن از وضع آن می‌باشد. چرا که در این حالت صرفاً نمره مرحله مصاحبه در پذیرش دانشجو ایفای نقش نموده و نقش نمره آزمون متمرکز به جای وزن ۵۰ درصد در حد معرفی داوطلب به دانشگاه، تنزل می‌یابد. در واقع با رویه جاری دانشگاه مذکور هیچ گونه تفاوتی در روند پذیرش دانشجوی دکتری نسبت به قبل از تصویب قانون مورد اشاره که در راستای ایجاد عدالت آموزشی و جلوگیری از اعمال سلیقه و اجحاف در حق داوطلبان با رتبه‌های برتر وضع گردیده ایجاد نشده است. در مثالی ملموس تر و جهت روشن تر شدن موضوع وضعیت عینی اینجانب در آزمونهای سال گذشته و جاری به ترتیب با رتبه‌های ۶ و ۱۱ می‌باشد که به لحاظ اعمال حد نصاب در مرحله مصاحبه و کسب نکردن این نمره و کان لم یکن شدن ۵۰ درصد آزمون متمرکز با وجود آن که نمره نهایی بنده (حاصل جمع آزمون مرحله اول و مرحله مصاحبه) بالاتر از تعدادی از قبولی‌های دوره روزانه و نوبت دوم بوده از پذیرش نهایی در دانشگاه تبریز، محروم شده ام. نهایتاً و با عنایت به اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال ماده ۱۱ شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی دوره دکتری مصوب سازمان سنجش و تبعاً ابطال مصوبه شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز مندرج در بند ۵ - ۲ اطلاعیه اینترنتی دانشگاه مذکور در خصوص مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶ به لحاظ مغایرت آشکار با نص صریح قانون «سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» با مدنظر قرار دادن ماده ۱۳ قانون دیوان و تسری اثر ابطال به زمان تصویب مصوبات فوق به لحاظ تضییع حقوق بسیاری از داوطلبان به دلیل اعمال این مصوبه در آزمون دکتری، همچنین صدور دستور موقت مبنی بر عدم اعمال مصوبات (حد نصاب در مرحله مصاحبه) در آزمون دکتری سال ۱۳۹۸ از محضر عالیجنابان مورد استدعا می‌باشد.»

متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

«۱) ۵ - شرایط اختصاصی دانشگاه تبریز

موضوع شیوه نامه اجرایی آیین‌نامه آزمون ورودی دوره دکتری (Ph.D) سال ۱۳۹۷ ابلاغی شماره ۳۶۳۶/س - ۱۳۹۷/۲/۱ سازمان سنجش آموزش کشور مطرح و پس از بررسی موارد ذیل به تصویب نهایی رسید:

۵-۲ در خصوص حد نصاب مرحله دوم (مصاحبه علمی و سنجش عملی و بررسی سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری ...) برای پذیرش در دوره‌های روزانه امتیاز ۲۵ از ۵۰ و برای دوره‌های نوبت دوم، پردیس‌های خودگردان دانشگاه و دوره مشترک با دانشگاه خاور نزدیک قبرس شمالی امتیاز ۲۰ از ۵۰ به تصویب رسید و مقرر شد مراتب به سازمان سنجش آموزش کشور اعلام شود و امتیاز دهی طبق فرم‌های شماره ۲ و ۳ جداول مشروحه مربوطه صورت خواهد پذیرفت.

۲) شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی دوره دکتری در سال ۱۳۹۷ مصوب سازمان سنجش آموزش کشور:

۱- «موسسات می‌توانند در هر کد رشته محل حد نصاب نمره مرحله دوم به سازمان اعلام کنند.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس دانشگاه تبریز به موجب لایحه شماره ۵۲۲۷/ص - ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ توضیح داده است که:

«مدیر دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

عطف به ابلاغیه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۶ به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۴۷۴ و کلاس ۹۷۰۲۹۳۴ مطروحه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منظم به دادخواست آقای جمشید سرباز جمشید مبنی بر ابطال مصوبه شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز مندرج در بند ۲- ۵ اطلاعیه دانشگاه تبریز در خصوص مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۷ به استحضار می‌رساند:

۱- بر اساس بند الف ماده ۳ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ابلاغی مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۸ ریاست مجلس شورای اسلامی، تصویب شیوه نامه اجرایی سنجش و پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی بر عهده شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها است. اعطای این شورا متشکل از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (رئیس شورا)، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دو نفر از روسای دانشگاه‌های دولتی به انتخاب وزارتین، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، رئیس دانشگاه پیام نور، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور (دبیر شورا) و دو نفر از نمایندگان کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس به عنوان ناظر هستند.

۲- مصوبه شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز در خصوص قرار دادن حد نصاب برای قبولی در مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸ با استناد به شیوه نامه

نصاب تعیین کرده است به طوری که داوطلب در صورت عدم کسب نصاب مذکور حتی در صورت کسب نمره بالای کتبی از طی مراحل پذیرش محروم می‌شود، بنابراین بند ۱۱ شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی دکتری دوره (ph.D) سال ۱۳۹۷ سازمان سنجش و آموزش کشور موجب محدودیت حکم فوق الذکر قانونگذار شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۲۷۸۳ ۱۳۹۸/۸/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۸۹ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با موضوع «ابطال بند ۳ مصوبه شماره ۱۸۲-۱۳۹۴/۸/۹-۱۸۲ مصوب شورای اسلامی شهر جویبار» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۲۳ شماره دادنامه: ۱۴۸۹ شماره پرونده: ۲۷۸۳/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۳ مصوبه شماره ۱۸۲ - ۱۳۹۴/۸/۹ شورای اسلامی شهر جویبار

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۱۵۲۹۷۰ - ۱۳۹۷/۷/۱۴ اعلام کرده است که:

«حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند مصوبات شورای اسلامی شهر جویبار از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح ذیل برای استحضار اعلام می‌گردد:

۱- شورای اسلامی شهر مذکور به موجب بند ۴ مصوبه شماره ۱۳۵ - ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ عنوان داشته است: «... در خصوص تغییر حد نصاب تفکیکی در تراکم ساختمانهای مسکونی کم و متوسط و زیاد به ترتیب ۲۰۰ و ۲۵۰ و ۳۰۰ متر با کاهش مساحت تراکم کم ۱۵۰ متر و متوسط ۳۰۰ متر و تراکم زیاد ۲۵۰ مترمربع و تفکیک تجاری نیز ۱۰۰ مترمربع پس از طرح در کمیسیون ماده ۵ و رعایت مقررات در جلسه شورا مطرح و پس از بحث و بررسی مورد موافقت قرار گرفت». در حالی که مرجع تصمیم‌گیری در خصوص تغییر ضوابط شهری (اعم از طرح تفصیلی، هادی و ...) وفق ماده ۵ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا، شهرک و نحوه تعیین آنها، بند ۷ ماده ۱ مادتین ۳ و ۷ آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمرانی محلی، ناحیه ای، منطقه ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور، ماده ۲ و ۷ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران جزء حدود اختیارات آن شورا می‌باشد. از این رو بند ۴ مصوبه شماره ۱۳۵ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ شورای اسلامی شهر جویبار مغایر با قوانین یاد شده و خارج از حدود اختیارات آن شورا می‌باشد.

۲- شورای اسلامی شهر یاد شده به موجب بند سوم مصوبه شماره ۱۸۲ - ۱۳۹۴/۸/۹ مقرر نمود است: «... به منظور صدور پایانکار برای ساختمانهای احداث شده ساختمانهای قدیمی تا پایان سال ۱۳۹۰ از مراجعه به دفتر نظام مهندسی معاف و صدور پایانکار با رعایت شرایط قانونی بلامانع است». در حالی که به موجب صراحت بند ۲-۶ - ۳ مبحث دوم مقررات ملی ساختمان شهرداریها می‌باید قبل از صدور پایانکار ساختمانی نسبت به اخذ تاییدیه فنی از سازمان نظام مهندسی اقدام نمایند. لذا بند سوم مصوبه شماره ۱۸۲-۱۳۹۴/۸/۹ شورای اسلامی شهر جویبار، مغایر با قانون موصوف تشخیص می‌گردد. بنا به مراتب طرح مصوبات مذکور در هیأت عمومی دیوان و ابطال آنها مورد تقاضا می‌باشد.»

متن مصوبه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

۳- بازگشت به نامه شماره ۱۰۳۷۹ - ۱۳۹۴/۶/۱۸ شهرداری به منظور صدور پایانکار ساختمانهای احداث شده ساختمانهای قدیمی تا پایان سال ۱۳۹۰ از مراجعه به دفاتر نظام مهندسی معاف و صدور پایانکار با رعایت سایر شرایط قانونی بلامانع است.

اجرای آزمون ورودی دوره دکتری (ph.D) سال ۱۳۹۷ ابلاغی طی بخشنامه شماره ۱۳۹۷/۲/۱ - ۳۶۳۶/س معاون وزیر، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور و دبیر شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها تصویب شده است. بر اساس بند ۱۱ شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی دوره دکتری (ph.D) سال ۱۳۹۷، موسسات (تمام دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی تابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) می‌توانند در هر کد رشته محل حد نصاب مرحله دوم را به سازمان سنجش آموزش کشور اعلام کنند. شایان ذکر است که رونوشت بخشنامه فوق به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونین سازمان سنجش آموزش کشور نیز ارسال شده است.

۳- قرار دادن حد نصاب برای قبولی در مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۶ نیز به استناد بند ۱۱ شیوه نامه اجرایی آزمون ورودی مقطع دکتری (ph.D) سال ۱۳۹۶ ابلاغی طی نامه شماره ۵۵۷/س - ۱۳۹۶/۱/۱۴ سازمان سنجش آموزش کشور صورت پذیرفته است.

۴- دانشگاه تبریز همانند سایر دانشگاه‌های کشور بر اساس بخشنامه‌های ابلاغی سازمان سنجش آموزش کشور حد نصاب پیشنهادی برای قبولی در مرحله دوم آزمون نیمه متمرکز دکتری در سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶ را به همراه اسامی تمامی داوطلبین حاضر در مصاحبه آزمون دکتری نیمه متمرکز را به سازمان سنجش آموزش کشور اعلام کرده است. با این حال کنترل شرایط و ضوابط اعمال حد نصاب مرحله دوم و در نهایت اعلام اسامی نهایی پذیرفته شدگان دوره دکتری بر عهده سازمان سنجش آموزش کشور است.

۵ - کلیه مفاد مصوبات دانشگاه تبریز در این خصوص بر اساس بخشنامه‌های ابلاغی توسط رئیس سازمان سنجش آموزش کشور و دبیر شورای سنجش و پذیرش دانشجو بوده است.

۶ - بر اساس مصوبه شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی ارسالی طی نامه شماره ۳۶۶۳/س - ۱۳۹۷/۲/۱ از طرف سازمان سنجش آموزش کشور مواد امتحانی آزمون مرحله اول دکتری (ph.D) سال ۱۳۹۷ شامل آزمون زبان، آزمون استعداد تحصیلی و آزمون دروس تخصصی در سطح کارشناسی یا کارشناسی ارشد است. بر این اساس این امکان وجود دارد که داوطلبی تنها با داشتن پایه تحصیلی قوی در زبان انگلیسی نمره بالاتر از حد نصاب مرحله اول کسب نماید ولی نمره مرحله دوم ایشان که شامل سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری و نیز مصاحبه علمی و سنجش عملی است عدد بسیار پایینی باشد و در صورت لغو حد نصاب اعمالی به مرحله دوم آزمون دکتری (ph.D) سال ۱۳۹۷ مصوب شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی ارسالی طی بخشنامه شماره ۳۶۶۳/س - ۱۳۹۷/۲/۱ از طرف سازمان سنجش آموزش کشور، دانشگاه‌ها مجبور خواهند بود که برای تمام ظرفیتهای درخواستی خود دانشجو پذیرش نمایند حتی اگر دانشجوی حائز شرایطی وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر این امکان فراهم می‌گردد که داوطلبینی که از نظر سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری و نیز مصاحبه علمی و سنجش عملی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند تنها به خاطر داشتن نمره متوسط در مرحله اول که می‌تواند از آزمون زبان حاصل شده باشد به عنوان پذیرفته شدگان نهایی به دانشگاه‌ها معرفی گردند که این مغایر با بند پ ماده ۱ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی ابلاغی مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۸ ریاست مجلس شورای اسلامی در رابطه با رعایت عدالت آموزشی خواهد بود.

التهایه نظر به مراتب معنونه و توجهاً به اینکه مرجع صدور شیوه نامه وزارت متبوع و سازمان سنجش آموزش کشور می‌باشد، بر این اساس مستنداً به بند پ ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ دعوی مطروحه متوجه این دانشگاه نبوده لذا رد درخواست شاکي مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه مطابق حکم ماده ۵ قانون سنجش پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ پذیرش نهایی در مقطع دوره‌های دکتری تخصصی به شیوه آموزشی و پژوهشی بر اساس تاثیر ۵۰ درصدی آزمون سازمان سنجش و تاثیر ۵۰ درصدی نمره مصاحبه در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و اختیار مقرر برای شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها به شرح بند ت ماده ۳ قانون صدرالذکر، صرفاً ناظر به تعیین نصاب قبولی در مرحله سنجش عمومی است ولی دانشگاه تبریز برای قبولی در مرحله دوم

به دفتر کمیسیون مستندسازی و تعیین بهره بردار مستقر در حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری ارسال نمایند. در بند ۱ قسمت ح شیوه نامه ابلاغی چنین آمده است: «ح - واگذاری حق استفاده املاک و اراضی متعلق به دولت به نهادها و موسسات خیریه موضوع تبصره ۵ ماده ۶۹

۱- در اجرای تبصره ۵ ماده ۶۹، انتقال مالکیت اراضی و املاک متعلق دولت به نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه و عام المنفعه موضوعیت نداشته و فقط حق استفاده از اراضی و املاک به نهادها و موسسات مزبور با تصویب کمیسیون واگذار می‌گردد. واگذاری حق استفاده مقید به مدت خاص خواهد بود که در صورت لزوم با تایید کمیسیون قابل تمدید می‌باشد.» همچنین در بند ۲ قسمت ح همین شیوه نامه چنین عنوان شده است:

«۲ - نهادها و موسسات موضوع این تبصره باید تقاضای خود مبنی بر استفاده از اراضی و املاک موضوع این قانون را با ارائه دلایل به کارگروه استانی ارائه کنند و کارگروه استانی موارد تایید شده را به دبیرخانه کمیسیون ارسال می‌نماید. کمیسیون در صورت لزوم مدارک و اطلاعات ضروری را از نهادها و موسسه متقاضی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اخذ خواهد نمود.» با دقت نظر در مفاد بندهای ۱ و ۲ قسمت ح شیوه نامه تغییر بهره بردار ملاحظه می‌گردد:

واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک دولتی به نهادها و موسسات عمومی غیردولتی و موسسات خیریه و عام المنفعه با تقاضای ایشان و پس از طرح در کارگروه استانی با تصویب کمیسیون مستندسازی و تعیین بهره بردار اموال غیر منقول دستگاه‌های اجرایی در حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری امکان پذیر بوده و از این حیث درخواست نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه و عام المنفعه جهت تصویب نهایی به هیأت وزیران ارسال نمی‌شود. این در حالی است که:

اولاً: شیوه نامه تغییر بهره بردار با استناد به ماده ۷ آیین‌نامه مستندسازی و تعیین بهره بردار تهیه و توسط کمیسیون ماده ۷ آیین‌نامه مزبور تایید و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است. از طرفی کمیسیون ماده ۷ (همان کمیسیون مستندسازی و تعیین بهره بردار اموال غیر منقول دستگاه‌های اجرایی) برای نظارت بر حسن اجرای مقررات آیین‌نامه و نیز حل اختلاف بین دستگاه‌های دولتی در خصوص استفاده از ساختمانها، تاسیسات و اراضی وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و همچنین بررسی پیشنهاد تغییر بهره بردار کلیه اراضی، املاک و ابنیه موضوع ماده ۶۹ قانون تنظیم و تبصره‌های ذیل آن با مسئولیت معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری تشکیل می‌شود لذا کمیسیون مزبور در این فقره، صلاحیتی برای تصویب واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک به نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه و عام المنفعه را ندارد.

ثانیاً: واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک به نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه و عام المنفعه مستند به تبصره ۵ ذیل ماده ۶۹ قانون تنظیم، صرفاً با تصویب هیأت وزیران در جهت تحقق اهداف و احکام برنامه‌های پنجساله و قوانین مربوط امکان پذیر بوده که در این راستا قانون مرقوم وفق ماده ۱۲۲ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه در طول اجرای قانون برنامه تنفیذ و حاکم می‌باشد. بنا به مراتب و با عنایت به اینکه تصویب واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک موضوع قانون تنظیم به نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه عام المنفعه در صلاحیت هیأت وزیران بوده و خارج از حدود اختیارات و وظایف کمیسیون مستندسازی و تعیین بهره بردار اموال غیرمنقول دستگاه‌های اجرایی می‌باشد، ابطال فراز پایانی بند ۱ قسمت ح شیوه نامه تغییر بهره‌بردار و واگذاری حق استفاده و واگذاری بلاعوض اراضی و املاک مورد تقاضا می‌باشد.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«شیوه نامه تغییر بهره بردار و واگذاری حق استفاده و واگذاری بلاعوض اراضی و املاک موضوع ماده ۶۹ و تبصره‌های آن

ح - واگذاری حق استفاده املاک و اراضی متعلق به دولت به نهادها و موسسات خیریه موضوع تبصره ۵ ماده ۶۹

۱- در اجرای تبصره ۵ ماده ۶۹ انتقال مالکیت اراضی متعلق دولت به نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه و عام المنفعه موضوعیت نداشته و فقط حق استفاده از اراضی و املاک به نهادها و موسسات مزبور یا تصویب کمیسیون واگذار می‌گردد. واگذاری حق استفاده مقید به مدت خاص خواهد بود که در صورت لزوم با تایید کمیسیون قابل تمدید می‌باشد.»

طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضامنه آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

علی رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور در خصوص خواسته شاکی بند ۴ مصوبه شماره ۱۳۵ - ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ مصوب شورای اسلامی شهر جویبار را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات ندانسته است و به استناد مواد ۱۲ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۲۷۰ - ۱۳۹۸/۶/۱۲ رأی به رد شکایت شاکی صادر کرده است.

رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافته است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

طبق تبصره ۷ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها مقرر شده مهندسان ناظر ساختمانها مکلفند نسبت به عملیات اجرایی ساختمانی که به مسئولیت آنها احداث می‌شود از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن مستمراً نظارت کرده و در پایان کار مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه و محاسبات فنی را گواهی نمایند و همچنین در ماده ۳۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب سال ۱۳۷۴ مقرر شده است که شهرداریها و سایر مراجع صدور پروانه و کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان و امور شهرسازی و ... مکلف اند مقررات ملی ساختمان را رعایت نمایند و عدم رعایت مقررات یاد شده و ضوابط و مقررات شهرداری تخلف از این قانون محسوب می‌شود، بنابراین بند ۳ مصوبه شماره ۱۸۲ - ۱۳۹۴/۸/۹ مصوب شورای اسلامی شهر جویبار مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۱۸۱۲

۱۳۹۸/۸/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک‌نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۹۱ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۲۳ شماره دادنامه: ۱۴۹۱ شماره پرونده: ۱۸۱۲/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال فراز پایانی بند ۱ قسمت ح) شیوه نامه تغییر بهره بردار و واگذاری حق استفاده و واگذاری بلاعوض اراضی و املاک موضوع ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب لایحه شماره ۸۰۴۵۲ - ۱۳۹۷/۴/۱۶ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند: شیوه نامه تغییر بهره بردار و واگذاری حق استفاده و واگذاری بلاعوض اراضی و املاک در این سازمان با قوانین انطباق داده شد که توجه جنابعالی را به نتایج بررسیها به شرح زیر معطوف می‌دارد: معاون وقت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری طی بخشنامه شماره ۲۵۹۱۵ - ۱۳۸۲/۵/۱۳ و با توجه به ماده ۷ آیین‌نامه مستندسازی و تعیین بهره بردار، شیوه نامه تغییر بهره برداری (که به تایید کمیسیون ماده ۷ آیین‌نامه موصوف رسیده است) را به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ و از دستگاه‌های متقاضی خواسته، درخواست خود را با رعایت مفاد این شیوه نامه برای رسیدگی

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه حق استفاده از اراضی دولتی مطابق تبصره ۵ ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت از اختیارات هیأت وزیران است و کمیسیون موضوع ماده ۷ آیین نامه مستندسازی و تعیین بهره بردار اموال غیر منقول دستگاه های اجرایی، صرفاً اختیار بررسی درخواست و پیشنهاد را به هیأت وزیران دارد و مستقلاً حق تصویب واگذاری را ندارد، بنابراین مصوبه معترض عنه در قسمتی که واگذاری حق استفاده از اراضی را به تصویب کمیسیون منوط کرده مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۰۴۲۶

۱۳۹۸/۸/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۹۲ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با موضوع: «ابطال صورتجلسه شماره ۱۳۹۴/۲/۶-۱۱۴/۲/۲۸۲۷ هیأت تقسیم اسناد شهرستان بروجرد» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۲۳ شماره دادنامه: ۱۴۹۲ شماره پرونده: ۴۲۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای سعید گودرزی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال صورتجلسه شماره ۱۱۴/۲/۲۸۲۷ - ۱۳۹۴/۲/۶

هیأت تقسیم اسناد شهرستان بروجرد

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال صورتجلسه شماره ۱۱۴/۲/۲۸۲۷ -

۱۳۹۴/۲/۶ هیأت تقسیم اسناد شهرستان بروجرد را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام، احتراماً با عنایت به اینکه بر اساس مصوبه شماره ۱/۸۱۵۵ - ۱۳۵۶/۴/۶ هیأت وزیران به صراحت اعلام داشته است که هیأت های تقسیم و تنظیم اسناد می باید با در نظر گرفتن ضوابط و تدابیری که متضمن تقسیم و توزیع عادلانه تنظیم و ثبت اسناد باشد، تعداد دفاتر اسناد رسمی را برای انجام معاملات مربوط به هر یک از سازمان های مذکور در این مصوبه (وزارتخانه ها و موسسات و شرکتها و بانک های دولتی و شهرداریها) تعیین و به آنها ابلاغ خواهد نمود و این وظیفه قابل تفویض به غیر نیست. متأسفانه هیأت مذکور در شهرستان بروجرد طی صورتجلسه ای امر تقسیم اسناد را با اولویت دفاتر کم درآمد به یکی از دفترخانه ها (دفترخانه شماره ۱۹) که خود نیز ذینفع می باشد واگذار کرده است. لذا با عنایت به اینکه این اقدام خود نوعی قانونگذاری محسوب می شود و خارج از صلاحیت هیأت مذکور است و خارج از ضوابط نیز می باشد بدو تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی این صورتجلسه را درخواست می نماید. چرا که ادامه اجرای آن موجب ورود ضرر و زیانی (به سایر دفاتر اسناد رسمی بروجرد) می شود و در آینده قابل جبران نمی باشد، ثانیاً تقاضای ابطال آن را دارم. لازم به تذکر است که این خواسته قبلاً تقدیم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده بود که به شعبه ۲۹ آن دیوان (نهم سابق) ارجاع که شعبه مذکور با اعلام رفع نقص و لزوم نوشتن خواسته در فرم دادخواست آن را به این حقیر اعلام که در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۰ به اینجانب ابلاغ واقعی گردید.»

متن صورتجلسه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«در اجرای مصوبه ۱/۸۱۵۵ - ۱۳۵۶/۴/۶ هیأت وزیران در خصوص تقسیم اسناد بانکها، سازمانها، موسسات و شرکتهای دولتی و شهرداری فی مابین دفاتر اسناد رسمی در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۱۵ جلسه کمیسیون با حضور آقای... نماینده محترم دادگستری شهرستان بروجرد و برابر معرفی نامه شماره... و آقای... نماینده محترم اداره امور مالیاتی شهرستان برابر معرفی نامه شماره ۱۱۷/۴۷۴/و - ۱۳۹۴/۲/۱۵ و آقای ملک نیاز اسداللهی ریاست محترم اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد در محل اداره ثبت تشکیل و مقرر گردید که اسناد موضوع مصوبه توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹ به سردفتری آقای شیرزاد حاجی زاده واقع در خیابان سعدی روبروی اداره بازرگانی، عادلانه و به نحو مقتضی بین دفاتر با اولویت دفاتر کم درآمد توزیع گردد. نظارت بر حسن انجام کار به عهده

بازرسین اداره ثبت خواهد بود. - نماینده دادگستری بروجرد - نماینده اداره امور مالیاتی بروجرد - رئیس اداره ثبت اسناد بروجرد»

علیرغم ارسال نسخه ثانی دادخواست و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق تصویب نامه شماره ۱/۲۷۷۳۷ - ۱۳۵۶/۱۲/۱ هیأت وزیران که به موجب دادنامه شماره ۱۴۶ و ۱۴۹ - ۱۳۸۳/۴/۱۴ ابطال نشده است مقرر شده جهت تقسیم و توزیع عادلانه تنظیم و ثبت اسناد راجع به وزارتخانه ها و موسسات و بانک های دولتی و شهرداریها بین دفاتر اسناد رسمی در تهران و سایر شهرهای کشور که بیش از یک دفتر اسناد رسمی وجود دارد، هیأت هایی با ترکیب خاص پیش بینی می شود تا با در نظر گرفتن ضوابط، تعدادی از دفاتر اسناد رسمی را برای انجام معاملات مربوط به هر یک از سازمان های مذکور تعیین و به آنها ابلاغ کنند. نظر به اینکه در صورتجلسه مورد شکایت، وظیفه یاد شده به یکی از دفاتر اسناد رسمی واقع در شهرستان بروجرد تفویض شده است لیکن این وظیفه قابل تفویض به مراجع دیگر نیست، بنابراین صورتجلسه معترض عنه خارج از حدود اختیارات قانونی وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۴۳۵

۱۳۹۸/۸/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۹۲ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با موضوع: «ابطال بند ۴ ماده ۳ آیین نامه اجرایی نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران موضوع تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون نظام صنفی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۲۳ شماره دادنامه: ۱۴۹۳ شماره پرونده: ۱۴۳۵/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای قاسم نوده فراهانی با وکالت آقای علی بختیاری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۴ ماده ۳ آیین نامه اجرایی نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران موضوع تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون نظام صنفی

گردش کار: آقای علی بختیاری به وکالت از آقای قاسم نوده فراهانی به موجب دادخواستی ابطال بند ۴ ماده ۳ آیین نامه اجرایی نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می رساند: ۱- به موجب صراحت بند ۸ ماده ۲۲ مکرر (الحاقی ۱۳۹۲) قانون نظام صنفی، یکی از شرایط داوطلبان عضویت در هیأت مدیره اتحادیه ها، حداکثر سن در زمان ثبت نام ۷۵ سال می باشد. ۲- متأسفانه وزارت صنعت، معدن و تجارت طی بند ۴ ماده ۳ آیین نامه نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران (موضوع تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون نظام صنفی) حداکثر سن را در زمان ثبت نام برای داوطلبان عضویت در هیأت مدیره اتحادیه ها، به سن ۷۰ سال تقلیل داده؟ امری که خارج از اختیارات وزارتخانه مذکور بوده و جزء اختیارات قوه مقننه است و بند مورد اعتراض آیین نامه یاد شده وضوحاً مغایر با بند ۸ ماده ۲۲ قانون نظام صنفی می باشد. ۳- علیهذا نظر به مغایرت آشکار بند ۴ ماده ۳ آیین نامه فوق الذکر با بند ۸ ماده ۲۲ قانون نظام صنفی، استدعای ابطال بند ۴ ماده ۳ آیین نامه را به شرح ستون خواسته دارد.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«ماده ۳- اعضای اتاق ایران در صورت داشتن شرایط زیر می توانند داوطلب عضویت در هیأت رئیسه شوند:

شاکي به موجب لايحه ای که به شماره ۹۶-۵/۱۷۴۵-۱۳۹۸/۴/۱۳ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: «ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند پیرو دادخواست مطرح شده به شماره ۱۷۴۵/۹۶ در این هیأت شورای اسلامی شهر حمیدیا و شهرداری حمیدیا با طرح مصوبه ماده ۵۷ بند ۲ تبصره در سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ به شرح ذیل تبصره ۲ در خصوص هزینه آماده سازی و آسفالت سایت علویه (مسکن مهر) هر واحد مبلغ ۴/۷۵۰/۰۰۰ ریال دریافت گردد که این مصوبه بر خلاف ماده ۵۵ قانون شهرداریها و قانون اساسی می‌باشد ماده ۵۵ قانون شهرداریها اعلام کرده که هزینه ایجاد معابر و کوچه‌ها و خیابانها و آسفالت بر عهده شهرداری می‌باشد قانون اساسی ماده ۳ دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور به کار برد بند ۶ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی بند ۱۲ پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن اما متأسفانه شورای اسلامی شهر حمیدیا و شهرداری حمیدیا با این مصوبه از ما ساکنین مسکن مهر و شرکت تعاونی وصال شهرک دانشگاه یزد خواستار عوارض غیر قانونی می‌باشد باعث کندی پایان کار و اخذ سند مالکیت شده است و همچنین شهرداری حمیدیا یک قطعه چک شرکت تعاونی مسکن مهر وصال شهرک دانشگاه یزد را برگشت زده و از سال ۱۳۹۶ تمام حسابهای اینجانبان غلامحسین سعیدی منفرد مدیر تصفیه شرکت تعاونی و علیرضا صالحی بافقی رئیس هیأت تصفیه را مسدود کرده که باعث خسارتهای مادی و معنوی به شرکت تعاونی رها شده است از شما مساعدت لازم جهت ابطال تبصره ۲ ماده ۵۷ شورای اسلامی شهر حمیدیا را خواستار می‌باشیم و همچنین خسارات وارد شده را اعمال کنید».

متن مصوبه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

۵۷) هزینه خدمات آسفالت

۱) هر متر مربع آسفالت ۱۲۰/۰۰۰ ریال

هر متر طول سنگ جدول ۱۵۰/۰۰۰ ریال

کوچه هائی که قبل از سال ۱۳۷۳ توسط شهرداری آسفالت شده است و پرونده اطلاعات مربوط به آسفالت کوچه در شهرداری موجود نمی باشد از پرداخت خودیاری معاف می‌گردد.

در خصوص هزینه خدمات آسفالت اراضی مجهول المالك و زمین‌های افتاده و کوچه هائی که دارای پرونده می‌باشند و به مالکین اخطار شده و بنا به ضرورت شهرداری رأساً آسفالت نموده طبق تعرفه روز هزینه خدمات آسفالت وصول می‌گردد.

هزینه خدمات از کوچه‌هایی که نیاز به روکش آسفالت دارد و یا بنا به ضرورت توسط شهرداری روکش می‌گردد ۵۰ درصد هزینه خدمات آسفالت اخذ می‌گردد.

هزینه آسفالت مساوی است با عرض ملک در بر معبر ضربدر نصف عرض آسفالت ضربدر نرخ هر مترمربع

تبصره ۱:

تبصره ۲: در خصوص هزینه آماده سازی و آسفالت سایت علویه (مسکن مهر) هر واحد مبلغ ۴/۷۵۰/۰۰۰ ریال دریافت گردد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر حمیدیا به موجب لایحه شماره ۸۵۴-۱۳۹۷/۸/۲۰- توضیح داده است که:

«مدیر دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: دفاعیه شهرداری

سلام علیکم

احتراماً عطف به شماره پرونده ۱۳۹۷/۷/۷-۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۶۱۴ بدین وسیله در مقام دفاع از شهرداری به استحضار می‌رساند بند ۲۶ ماده ۵۵ شهرداریها که پیشنهاد برقراری یا الغاء عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای وارداتی و صادراتی و محصولات داخلی و غیره و ارسال یک نسخه از تصویب‌نامه برای اطلاع وزارت کشور همچنین با توجه به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده از ۱۳۸۷/۷/۱ و به استناد، تبصره ۱ ماده ۵۰ این قانون، شوراها و شوراهای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرای در سال بعد تصویب و اعلام عمومی نمایند، که جهت مطالبات شهرداری به همین منوال اقدام شده است و هیچ گونه اعتراض از طرف مردم به مصوبات وجود نداشته است و پس از تصویب در شورای اسلامی شهر وجود نداشتن هیچ گونه اعتراضی از طرف مردم و دستگاه‌های دیگر و پس از گذشت زمان قانونی در کمیته انطباق فرمانداری که به منزله تأیید می‌باشد آگهی عمومی شده است و اظهارات آقای

۱-

.....

۴- حداکثر سن در زمان ثبت نام هفتاد سال "

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس مرکز و دبیر هیأت عالی نظارت مرکز اصناف و بازرگانان ایران (وزارت صنعت، معدن و تجارت) به موجب لایحه شماره ۶۰/۲۵۵۵۳- ۱۳۹۷/۱/۲۱ توضیح داده است:

«مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: شکایت آقای قاسم نوده فراهانی

با سلام و احترام

احتراماً بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۵۸۰۱۱۸۸- ۱۳۹۶/۱۱/۱۵- پیرامون دادخواست آقای قاسم نوده فراهانی با خواسته ابطال بند ۴ ماده ۳ آیین‌نامه نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران موضوع تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون نظام صنفی بدین وسیله به استحضار می‌رساند: همان طور که مطلع هستید آیین‌نامه مذکور و از جمله بند مورد شکایت با اختیار حاصل از تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون نظام صنفی با همکاری اتاقهای اصناف مراکز استانها به عنوان مرجع پیشنهاد دهنده تهیه و با تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت جهت اجرا ابلاغ گردیده است.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه بر اساس بند ۸ ماده ۲۲ مکرر قانون اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۲ یکی از شرایط داوطلبان عضویت در هیأت مدیره اتحادیه‌ها، داشتن سن در زمان ثبت نام ۷۵ سال تعیین شده است و حال آن که در بند ۴ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران، حداکثر سن در زمان ثبت نام ۷۰ سال تعیین شده است، این حکم با متن صریح قانون مغایرت دارد، بنابراین به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۷۴۵

۱۳۹۸/۸/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۵۰۴ مورخ ۱۳۹۸/۶/۵ با موضوع «ابطال تبصره ۲ ماده ۵۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر حمیدیا» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۶/۵ شماره دادنامه: ۱۵۰۴ شماره پرونده: ۱۷۴۵/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای غلامحسین سعیدی منفرد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۲ ماده ۵۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر حمیدیا

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۲ ماده ۵۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر حمیدیا در خصوص اخذ هزینه خدمات آسفالت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام:

احتراماً به استحضار می‌رساند شهرداری حمیدیا و شورای اسلامی شهر حمیدیا بر مبنای مصوبات شورای اسلامی شهر حمیدیا اقدام به دریافت عوارض غیر قانونی از مردم محروم منطقه شهر حمیدیا می‌کنند لذا با توجه به اینکه این مصوبات قانونی نمی باشد و مردم محروم این منطقه همیشه نسبت به این عوارض گلایه دارند اقدام به ابطال مصوبات بالا را خواستار می‌باشیم.»

سعیدی در این خصوص صحت ندارد. در خصوص بند ۵۷ تعرفه سال ۱۳۹۶ بهای خدمات

آسفالت با عنایت به ماده ۵۵ بند ۲۵ که یکی از وظایف شهرداری ایجاد خیابانها و شوارع می باشد، با توجه به اینکه شهرداریها نهاد عمومی عام المنفعه می باشد و کلیه هزینه خدمات از مردم وصول می گردد لیکن هزینه آسفالت شرکت تعاونی وصال مربوط به آماده سازی اراضی می باشد که طی صورتجلسه شماره ۱۶۶۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۴ با موافقت شرکت تعاونی مربوط تعیین تکلیف شده است و آسفالت سایت علویه با توجه به صورتجلسه انجام شده اداره کل راه و شهرسازی یزد و شرکت های انبوه ساز وظیفه خود شرکت های تعاونی بوده است که هزینه آن نیز از طرف تعاونی برابر توافق و صورتجلسه انجام شده تصویر پیوست به شهرداری پرداخت شده است.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه
گردش کار: خانم یونه رضانی به وکالت از خانم روحاندخت اصلانی به موجب دادخواستی ابطال ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه در خصوص اخذ عوارض بابت ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری، تبصره ۱۰ ماده واحده پیشنهادی بودجه مصوب سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه در خصوص اخذ سود ۸٪ از تقسیط عوارض، بند ۲ جلسه شماره ۵۵ - ۱۳۹۴/۹/۱ مصوب شورای اسلامی شهر میانه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «احتراماً در اعتراض و تظلم خواهی نسبت به تصمیمات و مصوبه شورای اسلامی شهر میانه در خصوص اخذ کارمزد از بابت تقسیط عوارض به استناد دفترچه تعرفه عوارض محلی به استحضار عالی می رساند:

مبلغ و چک شماره ۱۱۶۹۴۸ - ۱۳۹۶/۳/۱۵ مورد شکایت آقای سعیدی بابت جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ می باشد که بابت ساخت و ساز اضافه بنای شرکت تعاونی وصال دانشگاه می باشد و هیچ ارتباطی به بهای خدمات آسفالت و مصوبه شورای اسلامی شهر حمیدیا ندارد که تصویر رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ پیوست می باشد.

۱- موکل بنده به موجب رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری میانه، تحت پرونده تخلفاتی ۶۴ - د - ۱۳۹۴/۳/۱۸ در خصوص تخلفات ساختمانی و عوارض متعلقه از جمله تغییر کاربری جمعاً محکوم به پرداخت ۲/۴۴۹/۶۷۹/۵۵۰ ریال گردیده که از مبلغ موصوف مبلغ ۸۱۶/۵۵۹/۸۵۰ ریال نقداً پرداخت شده است.

۱- در ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده قید شده، شورای اسلامی صلاحیت

۲- نظر بر اینکه موکل کارمند بازنشسته آموزش و پرورش بوده که توان پرداخت یک جای عوارض را نداشته با مراجعه به شهرداری شهرستان میانه، الباقی جریمه به میزان ۲/۰۸۶/۳۱۰/۴۱۶ ریال را طی ۱۲ فقره چک از موکل دریافت کرده اند که مبلغ ۴۵۳/۱۹۰/۷۱۶ ریال با احتساب کارمزد ۱۸٪ تحت عنوان کارمزد تقسیط به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۹۴ مصوبه شماره ۵۵ - ۱۳۹۴/۹/۱ شورای اسلامی شهر میانه می باشد.

۱- در ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده قید شده، شورای اسلامی صلاحیت وضع عوارض محلی را دارند و عوارض تعیین شده محلی بوده و پس از تصویب در شورای اسلامی شهر آگهی عمومی شده و کمیته انطباق فرمانداری نیز که وظیفه انطباق مصوبات شورای اسلامی شهر با قوانین را دارد عوارض و بهای خدمات مصوب را تأیید کرده است.

۳- طبق ماده یک قانون اصلاح مواد از قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

۲- تصویب عوارض محلی در صلاحیت شوراهاست (بند ۱۶ ماده ۷۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵) که کلیه موارد مورد اعتراض برابر ضوابط و پس از تأیید فرمانداری و طی مراحل قانونی انجام شده است، البته با توجه به مراتب فوق به نظر نمی رسد به مصوبات شورای اسلامی شهر حمیدیا ایراد و خدشه ای وارد باشد لذا رد خواسته شاکی و تأیید آراء صادره مورد استدعاست.

۳- طبق ماده یک قانون اصلاح مواد از قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه که صرفاً در قلمرو قانون مذکور، تجویز شده است و نیز با عنایت به ماده ۷۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ که در مقام اصلاح ماده ۳۲ آیین نامه مالی شهرداریها به تصویب رسیده و به شهرداریها اجازه داده می شود تا صرفاً مطالبات خود را بدون بهره با اقساط ۳۶ ماهه مطابق دستورالعملی که به پیشنهاد شهردار به تصویب شورای اسلامی شهر مربوط می رسد، دریافت دارند و نظر به اینکه اخذ هرگونه وجه از اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی از جمله کارمزد عوارض منوط به حکم قانونگذار یا ماذون از قبل مقنن است وضع و تصویب قاعده امره توسط شورای اسلامی و شهرداری در قالب تعرفه عوارض محلی و ماده واحده و مصوبه شورای اسلامی در قسمت مربوط به اخذ عوارض و کارمزد از تقسیط آن برخلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورا و به استناد اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱ و بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری، قابل ابطال می باشد که آرای متعدد صادره از هیأت عمومی در این خصوص از آن مرجع عالی موید صدق عرایض می باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بنا علیهذا نظر به مطالب معروضی و با توجه به آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص غیرقانونی تلقی گردیدن اخذ هرگونه عوارض از بابت تغییر کاربری و همچنین اخذ کارمزد از بابت تقسیط عوارض و مخالفت آن با شرع انور اسلام از محضر عالی مقام تقاضای رسیدگی و اتخاذ تصمیمات شایسته قانونی نسبت به خواسته مرقوم در راستای پرهیز از تضییع حقوق حقه موکل را دارد.»

طبق بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداریها مقرر شده است که ایجاد خیابانها، کوچهها، میدانها و باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود قوانین موضوعه در حدود اختیارات شهرداریها است و همچنین در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷ مقرر شده است مراجع ذی ربط در صورت تقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه و عمران شهر، علاوه بر انجام تعهدات مربوط به عمران و آماده سازی زمین و واگذاری سطوح لازم برای تاسیسات و تجهیزات خدمات عمومی، حداکثر تا ۲۰٪ از اراضی آنها را برای تامین عوض اراضی واقع در طرحهای موضوع این قانون و همچنین اراضی عوض طرحهای نوسازی و بهسازی شهر، به طور رایگان دریافت نمایند. نظر به اینکه در مواد قانونی یاد شده در خصوص اخذ هزینه خدمات آسفالت ذکری نشده است، بنابراین تبصره ۲ ماده ۵۷ تحت عنوان هزینه خدمات آسفالت مصوب سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر حمیدیا مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

شاکي به موجب لایحه ای که به شماره ۹۷-۹۲۶ - ۱ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

«احتراماً در خصوص پرونده شماره ۳۶-۹۷۸۰۹۰۵۸۰۰۹۹۸۰۹۷ مطروحه در آن شعبه موضوع دعوی موکل خانم روحاندخت اصلانی به طرفیت شورای اسلامی و شهرداری شهرستان میانه پیرو ارسال ابلاغیه مبنی بر اعلام موارد خلاف شرع مورد شکایت، ضمن رفع جهات نقص مطالبی در راستای تشحیذ اذهان به شرح ذیل به عرض رسانده، امید توجه و امعان نظر از محضر مقام عالی دارد: همان گونه که سابقاً در متن دادخواست تقدیمی اعلام گردیده شهرداری شهرستان میانه به موجب رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ تحت شماره ۶۴ - د - ۱۳۹۴/۳/۱۸ از بابت تخلفات ساختمانی از جمله کسری پارکینگ و تغییر کاربری از مسکونی انباری به تجاری در قسمت زیر زمین، موکل را به میزان ۲/۰۸۶/۳۱۰/۴۱۶ ریال محکوم به پرداخت نموده که از مبلغ موصوف میزان ۸۱۶/۵۵۹/۸۵۰ ریال نقداً پرداخت شده است و الباقی مبلغ جریمه به میزان ۱/۶۳۳/۱۱۹/۷۰۰ ریال بوده که با مراجعه به شهرداری جهت تقسیط آن، ۱۲ فقره چک از موکل دریافت که مبلغ ۴۵۳/۱۹۰/۷۱۶ ریال تحت عنوان کارمزد با نرخ ۱۸٪ به استناد بند ۲ از مصوبه شماره ۵۵ - ۱۳۹۴/۹/۱ شورای اسلامی دریافت شده است.

شماره ۹۷۰۰۹۲۶ ۱۳۹۸/۸/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیر عامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۳۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ با موضوع: «ابطال ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۶/۲۶ شماره دادنامه: ۱۳۱۰ شماره پرونده: ۹۲۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: خانم روح اندخت اصلانی با وکالت خانم یونه رضانی

ذیصلاح درخواست گردیده بلکه با مستند ساختن همان مصوبه برخلاف قانون خود مبادرت به اخذ عوارض از بابت تغییر کاربری و کسری پارکینگ کرده است در حالی که شهرداری به جهت عدم ارائه خدمات در قبال تغییر کاربری که یکی از نمود اعمال مالکیت می باشد حق اخذ وجه تحت هیچ عنوانی علی الخصوص جریمه را نداشته که بخش نخست دادخواهی می باشد و از سوی دیگر در ارتباط با بخش دوم خواسته شهرداری شهر میانه متعاقب تعیین جریمه در خصوص تغییر کاربری اقدام به اعمال اخذ کارمزد ۱۸٪ به مبلغ ۴۵۳/۱۹۰/۷۱۶ ریال نموده که نه تنها به شرح پیش گفته خود تعیین جریمه فاقد وجهت قانونی بوده بلکه اعمال کارمزد و اخذ آن از تقسیط نیز به موجب احکام و آرای متعدد صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده تشخیص و مراتب بطلان آن اعلام و طبق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به همه اشخاص حقیقی و حقوقی لازم الاتباع می باشد، مغایر با موازین قانونی و رویه قضایی هیأت عمومی می باشد و در خصوص عدم انطباق مصوبه معترض عنه شورای اسلامی و اقدام شهرداری در اخذ کارمزد از بدهی با موازین شرعی، صرف نظر از اینکه انطباق موضوع با احکام شرعی و قانونی و استخراج آن از احکام شرع و فتاوی در شأن مقامات قضایی می باشد لکن در جهت تنویر ذهن آن عالی مقام موردی از موارد مبتلا به تفاسیر فقهای شورای نگهبان که طی نامه های شماره ۳۸۴۵ - ۱۳۶۴/۴/۱۲ و ۳۳۷۸ - ۱۳۶۸/۱۰/۱۴ مستنداً به فتوای حضرت امام خمینی (ره) مطالبه مزاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تاخیر تادیه (کارمزد) را جایز ندانسته و حتی آن قسمت از ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و تبصره های ۴ و ۵ همان قانون و ماده ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی قانون ثبت که اخذ کارمزد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تاخیر تادیه مجاز شمرده، خلاف موازین شرعی و باطل اعلام نمودند لذا بر این اساس شورای اسلامی و شهرداری شهر میانه در مصوبات معترض عنه ماهیتاً آنچه را که فقهای شورای نگهبان خلاف موازین شرع تشخیص و باطل اعلام نموده را در مصوبات خود به تصویب رسانده اند و در این خصوص لازم به ذکر است که استفساریه مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ناظر بر موارد خاص و مشخص بوده و منصرف از مقوله اخذ خسارت تاخیر تادیه از عوارض و جرایم قانون شهرداری است که شورای اسلامی شهر میانه با تلفیق مقررات متفاوت، به شهرداری بدو مجوز اخذ کارمزد تا سقف ۸٪ سپس طی مصوبه شماره ۵۵ اخذ کارمزد تا سقف ۱۸٪ را اعطا و نهایتاً طی فرایند خاص مودیان را ملزم به پرداخت وجهی مزاد و بدون مبنای شرعی و قانونی کرده اند چرا که اخذ مبلغی مزاد بر اصل بدهی تنها در نظام بانکداری بدون ربا پیش بینی و اجرایی شده است و صرف تغییر در الفاظ و عبارات از سوی مراجع غیربانکی تاثیری در ماهیت امر (اخذ بدون مجوز کارمزد و سود) نداشته و عمل ممنوع شرعی را مشروع نمی نماید.

علیهذا نظر به مراتب معروض و جمیع محتویات پرونده علی الخصوص آرای متعدد صادره از شعب مرجع و قابلیت تسری آن به موضوع حاضر و با تلخیص نظر به عموماً فقهی و قانونی قضیه، رسیدگی و اتخاذ تصمیم شایسته قانونی در راستای اجرای عدالت و قانون و پرهیز از تضییع حقوق حقه موکل که از دو جهت پایمال گردیده، از محضر آن عالی جناب مورد استدعاست. ضمناً در خصوص عدم تطابق مصوبه معترض عنه با احکام شرعی ادعایی نداشته لکن نسبت به اعمال ماده ۹۲ از قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با توجه به آرای صادره از شعب هیأت عمومی به شماره های ۴ - ۱۳۹۱/۲/۲، ۳۶۹ - ۱۳۹۵/۵/۲۶، ۳۳۶ - ۱۳۹۲/۵/۱۴، ۷۱۷ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۱، ۱۸۱۸ - ۱۳۹۳/۱۱/۶، ۱۷۸ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۲ که نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی لازم الاتباع بوده از محضر مقام محترم تقاضای رسیدگی و اتخاذ تصمیم شایسته قانونی را دارد.»

متن تعرفه های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه:

«ماده ۲۲: عوارض از بابت ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری

در صورتی که مالکین متقاضی تغییر کاربری و حق استفاده باشند طبق جدول ذیل اقدام خواهد شد.

کاربری درخواستی	مسکونی	عملکردها	سایر کاربریها
کاربری موجود			
باغات	٪۲۵	٪۳۵	٪۱۰
زراعی	٪۲۵	٪۳۵	٪۱۰
مسکونی	عوارض ندارد	۳۵P برای هر متر مربع در صورتی که به مقصد انتفاع باشد معادل ٪۲۰	
عملکردها	عوارض ندارد	عوارض ندارد	عوارض ندارد
سایر کاربریها	٪۲۰	٪۴۰	٪۱۰
پارکینگ	٪۵۰	٪۶۰	٪۳۵

حداقل P به شرح ذیل می باشد:

۱- اراضی تا ۱۰۰۰ مترمربع حداقل P، ۴۰۰۰۰ ریال

۲- اراضی بالای ۱۰۰۰ متر مربع تا ۵۰۰۰ مترمربع حداقل P، ۲۵۰۰۰ ریال

۳- اراضی بالای ۵۰۰۰ مترمربع تا ۵ هکتار حداقل P، ۲۰۰۰۰ ریال

۴- اراضی بالای ۵ هکتار تا ۱۰ هکتار حداقل P، ۱۵۰۰۰ ریال

۵- اراضی بالای ۱۰ هکتار تا ۱۵ هکتار حداقل P، ۱۰۰۰۰ ریال

۶- اراضی بالای ۱۵ هکتار حداقل P، ۵۰۰۰ ریال

در صورتی که امکان تفکیک قطعه وجود نداشته باشد عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری مربوطه با فرمول ذیل محاسبه و اخذ خواهد شد.

فرمول: درصد مربوطه $\times S \times (P + 10/1000) \times 4 \times 10$

- مبنای ریالی ارزش منطقی، ارزش بعد از تغییر کاربری خواهد بود چنانچه بعد از تغییر کاربری فاقد ارزش منطقی در دفترچه ارزش معاملاتی باشد نزدیکترین بلوک و کاربری مربوطه مبنای عمل خواهد بود.

- قبل از ارسال پرونده به کمیسیون ماده ۵ یا کمیته تغییرات اساسی طرح های هادی شهرداری باید ضمانت لازم را اخذ نماید. شایان ذکر است معادل ۱۰٪ عوارض مربوط به تغییر کاربری نقداً به حساب سپرده شهرداری واریز یا ضمانت نامه بانکی اخذ، چنان که متقاضی تا ۳ ماه پس از تصویب تغییر کاربری توسط کمیسیون مربوط نسبت به مصالحه قطعی اقدام ننماید سپرده وی به نفع شهرداری ضبط و شهرداری مطابق مصالحه نامه اقدام خواهد نمود. (برای مساحت های بیشتر از ۵۰۰ مترمربع)

۱- در تغییر کاربری اراضی آموزشی، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی و اداری و سایر کاربریهای که در این بند ذکر نشده است به مسکونی توسط کمیسیون ماده ۵ مالک باید ۳۰٪ اراضی را به عنوان سهم تغییر کاربری خدمات عمومی و ارزش افزوده به شهرداری واگذار نماید در تغییر کاربری این تبصره به تجاری به علاوه ۱۰٪ یعنی ۴۰٪ به عنوان سهم شهرداری تهاوت خواهد شد و تبدیل کاربری تجاری به مسکونی در صورت رعایت حد نصاب تفکیک عوارض ندارد.

۲- به منظور حمایت از ایجاد جایگاه های عرضه سوخت CNG از بابت تغییر کاربری و ورود به محدوده شهرداری عوارض یا سهمی دریافت نخواهد کرد.

۳- در صورتی که کاربری و تراکم ملکی در طرح تفصیلی قبلی مجاز و شهرداری برای آن پروانه ساختمانی صادر و یا پرونده ملک در کمیسیون ماده ۱۰۰ مطرح و رأی ابقاء توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ صادر شده باشد و در طرح تفصیلی فعلی کاربری و تراکم آن مغایر با طرح قبلی باشد در صورت درخواست تغییر کاربری و تراکم از سوی ملک به کاربری و تراکم قبلی، شهرداری بدون دریافت هیچ گونه وجهی پرونده را جهت تغییر کاربری به کمیسیون ماده ۵ یا کمیته تغییرات اساسی طرح ها ارسال خواهد نمود.

۴- در صورتی که مالک متقاضی قسمتی از ملک خود برای احداث یا تبدیل تجاری باشد به ازای هر مترمربع P ۳۵ که حداقل P برابر ۴۰۰۰۰ ریال با شهرداری مصالحه نماید و شهرداری اقدام به ارسال آن به کمیسیون ماده ۵ خواهد نمود در صورتی که مالک متقاضی استفاده از ملک خود برای احداث یا تبدیل آن به خدماتی باشد به ازای هر مترمربع P ۲۵ که حداقل P برابر ۴۰۰۰۰ ریال می باشد و در صورتی که برای احداث یا تبدیل تجاری خدماتی (مختلط) باشد P ۳۰ حداقل P ۴۰۰۰۰ ریال، با شهرداری مصالحه و شهرداری نسبت به ارسال آن به کمیسیون ماده ۵ اقدام خواهد نمود. (این بند مشمول آن دسته از مالکینی می باشد که مساحتی بیشتر از ضوابط شهرسازی درخواست می نمایند.)

* ضمناً این موضوع نیز در صورت تصویب در کمیسیون ماده ۵ قابل انصراف از سوی متقاضی نبوده و در صورت انصراف کل مبلغ به نفع شهرداری مصادره خواهد شد ولی مقادیر تقلیل یافته رأساً طبق محاسبات اولیه قابل برگشت خواهد بود.

۵- در صورتی که برای اراضی خارج از محدوده و داخل حریم شهر از طرف مالک درخواست احداث بنا شود و از بابت ارزش افزوده احداث مبلغی معادل فرمول زیر محاسبه و دریافت خواهد شد.

$S \times (P + 10000) \times 4 \times 5$

S = مساحت اعیانی احداثی

* با توجه به اینکه در املاک فوق اشاره تغییر کاربری صورت نمی گیرد و مجوز صادره در راستای استفاده می باشد لذا هیچگونه مبلغی از بابت تغییر کاربری در زمان صدور پروانه اخذ نخواهد شد.»

ب) تبصره ۱۰ ماده واحده پیشنهادی بودجه مصوب سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه:

«در اجرای ماده ۷۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی شهرداریها به شهردار اجازه داده می شود قسمتی از مطالبات و عوارض را به عنوان پیش قسط که نایستی کمتر از یک سوم (۱/۳) باشد نقداً دریافت و بقیه را به شرح ذیل تقسیط نماید.

الف - تا یکسال با نرخ ۴٪ کارمزد

رأی هیأت عمومی

هر چند وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری توسط شوراهای اسلامی شهرها در مراجع ذی‌ربط قانونی طبق بند ۴ ماده ۲۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی و بند الف ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ و بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی و آراء هیأت عمومی از جمله رأی شماره ۱۳۰۸ - ۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال نشده است، لکن تصویب عوارض برای ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری با شروط مندرج در ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر میانه مانند تعهد به مصالحه و ضبط ضمانت‌نامه بانکی و غیره مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۰۹۲۶

۱۳۹۸/۸/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۲۱۳۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع: «اعمال مقررات ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۱۳۱۰ - ۱۳۹۸/۸/۲۶ و تسری ابطال مصوبه باطل شده به زمان تصویب آن» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۳۱۰/۲ کلاسه پرونده: ۹۲۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم روح اندخت اصلانی با وکالت خانم پونه رضانی

موضوع شکایت و خواسته: اعمال مقررات ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۱۳۱۰ - ۱۳۹۸/۶/۲۶ و تسری ابطال مصوبه باطل شده به زمان تصویب آن

گردش کار: ۱- در پرونده شماره ۹۲۶/۹۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و با شکایت خانم روح اندخت اصلانی با وکالت خانم پونه رضانی ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه ابطال شده است.

۲- خانم پونه رضانی به وکالت از خانم روح اندخت اصلانی به موجب لایحه تکمیلی مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۰ مدعی می‌شود که ابطال مصوبه مذکور را از تاریخ تصویب درخواست کرده بود ولیکن به خواسته رسیدگی نشده است به همین جهت ابطال ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه را از تاریخ تصویب در اجرای ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ درخواست می‌کند که متن آن به قرار زیر است:

«هر چند وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری توسط شوراهای اسلامی شهرها در مراجع ذی‌ربط قانونی طبق بند ۴ ماده ۲۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی و بند الف ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ و بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی و آراء هیأت عمومی از جمله رأی شماره ۱۳۰۸ - ۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال نشده است، لکن تصویب عوارض برای ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری با شروط مندرج در ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر میانه مانند تعهد به مصالحه و ضبط ضمانت‌نامه بانکی و غیره مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.»

۳- پرونده در اجرای فراز اول ماده ۳۵ آیین‌نامه اداره جلسات هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت.

ب - تا دو سال با نرخ ۶٪ کارمزد

ج - بیش از دو سال تا سه سال به نرخ ۸٪ کارمزد»

(ج) بند ۲ جلسه شماره ۵۵ - ۱۳۹۴/۹/۱ شورای اسلامی شهر میانه:

«۲- نامه شهردار میانه به شماره ۱۰۴۶۶ - ۹۴/۸/۱۰ ثبت شده در دبیرخانه شورا به شماره ۸۳۹ - ۱۳۹۴/۸/۱۲ در خصوص تقسیط عوارض پروانه ساختمانی و پرونده تخلفات در جلسه مطرح، پس از بحث و بررسی و تبادل نظر، در نهایت مقرر شد تقسیط عوارض برای سال اول ۱۴ درصد، سال دوم ۱۶ درصد و سال سوم ۱۸ درصد با رأی مثبت و ۳ رأی مخالف آقای - ان نعمت زاده، مبع - اد و محمد حسینی مورد تصویب قرار گرفت. نظر مخالف آقای میعاد: با توجه به مسائل و مشکلات معیشتی مردم و رکود ساخت و ساز و از طرفی وجود شبهه برابر فرمایشات برخی فقهای معزز در دریافت بهره و مبالغ اضافی و از طرفی با توجه به تصویب تعرفه عوارض محلی توسط شورای اسلامی شهر برای سال مذکور بعد از گذشت ۹ ماه از سال مالی افزایش در اواخر سال فاقد محمل قانونی می‌باشد با هرگونه افزایش درصد سود مخالف می‌باشم. ضمناً آقای نعمت‌زاده نیز در بیان نظر مخالف خود بیان داشتند با افزایش درصد در سود عوارض پروانه ساختمانی مخالف می‌باشد و لذا در مورد پرونده‌های تخلفات افزایش درصد بلامانع می‌باشد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، شهرداری میانه به موجب لایحه شماره ۲۰۵۵۳ -

۱۳۹۷/۱۱/۱۱ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه بایگانی ۹۷۰۰۹۲۶ مطروحه در آن هیأت موضوع اعتراض خانم روح اندخت اصلانی به خواسته تقاضای رسیدگی و ابطال ۱- ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی مصوب ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهرستان میانه در خصوص اخذ عوارض تغییر کاربری ۲- تبصره ۱۰ از ماده واحده پیشنهادی بودجه مصوب سال ۱۳۹۴ شهرداری مبنی بر اخذ سود ۸ درصد از تقسیط عوارض ۳- مصوبه شماره ۵۵ - ۱۳۹۴/۹/۱ شورای اسلامی موضوع افزایش اختیارات شهرداری مبنی بر اخذ کارمزد تا سقف ۱۸ درصد از تقسیط عوارض و جرایم و در پاسخ به موارد مندرج در دادخواست تقدیمی شاکي استحضار عالی می‌رساند:

شهرداری میانه موضوع کارمزد اخذ شده در سال ۱۳۹۴ را با استناد به نامه‌های ارسالی از استانداری آذربایجان شرقی به شماره‌های ۹۰۴۵۹ - ۱۳۹۷/۵/۵ و نامه شماره ۹۴/۸۵۲۳۷ - ۱۳۹۴/۴/۶ رئیس کل بانک مرکزی در خصوص مجاز بودن شهرداریها به‌اضافه نمودن حداکثر ۲۱ درصد در تقسیط عوارض و نامه شماره ۳۰۹۹۷ - ۱۳۹۵/۶/۲۸ رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و نامه شماره ۲۶۷۶۱۲ استانداری آذربایجان شرقی مبنی بر اینکه شهرداریها با استناد به ماده ۵۹ قانون رفع موانع توسعه رقابت‌پذیر مجاز به تقسیط مطالبات خود با بهره متداول بانکی می‌باشند اخذ کرده است و در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در تقسیط عوارض کارمزد اخذ نمی‌گردد به پیوست نامه‌های فوق‌الذکر جهت ملاحظه به حضور ارسال می‌گردد. علیهذا نظر به مراتب معروض و با عنایت به اینکه شهرداری میانه در اخذ کارمزد و جرایم متعلقه هیچ‌گونه تخطی نداشته و براساس دستورالعمل و نامه‌های ارسالی از مراجع عمل کرده است لذا تقاضای رد شکایت مطروحه از محضر هیأت عمومی مورد استدعاست.»

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تشخیص نشد.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور در خصوص خواسته شاکي، بند ۲ جلسه شماره ۵۵ - ۱۳۹۴/۹/۱ و تبصره ۱۰ از ماده واحده پیشنهادی بودجه مصوب سال ۱۳۹۴ شهرداری میانه از مصوبات شورای اسلامی شهر میانه مبنی بر تقسیط عوارض و مطالبات را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی ندانسته است و به استناد مواد ۱۲ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۰۱۲۴ - ۱۳۹۸/۴/۲۹ رأی به رد شکایت شاکي صادر کرده است. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافته است.

پرونده در اجرای رسیدگی به ماده ۲۲ از تعرفه عوارض محلی، هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر میانه در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

فوق العاده و اولویت با اصول رقابت پذیری برابری فرصتها و شایسته گزینی مطرح در مواد ۴۱ و ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مغایر است و مبنا و توجیه قانونی ندارد.

ب - در صفحات ۱۱، ۱۲، ۱۳ آگهی استخدامی فوق الذکر ذیل بند الف ماده ۹ مشمولین سهمیه استخدامی ۲۵ درصد ایثارگران را از شرکت در آزمونهای استخدامی معاف دانسته است. این در حالی است که ماده ۲۱ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، ایثارگران را از شرکت در آزمون معاف نکرده است و فقط مستند قانونی، ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ و ۱۳۹۱/۸/۱۴ و تبصره های ۳ و ۲ آن بوده است که متضمن معافیت ایثارگران از آزمون می باشد و قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مطابق ماده ۲۳۵ تا پایان سال ۱۳۹۴ معتبر می باشد و این قانون به دلیل انقضای مدت قانونی ۵ ساله و عدم انعکاس آن در قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور، دیگر قابلیت اجرایی و استناد ندارد.

ج - بر فرض تسلیم که ایثارگران بدون شرکت در آزمون، در اولویت استخدامی باشند، متأسفانه بنیاد شهید و امور ایثارگران با اعمال سلیقه، کل ۲۵ درصد سهمیه خود را از رشته کارشناسی تجهیزات پزشکی تأمین کرده است.

اینک با عنایت به اصول ۳، ۱۹، ۲۰، ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که همه آحاد و افراد کشور را از حقوق مساوی برخوردار دانسته است و مواد ۴۱، ۴۲، ۴۴ و ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری که برای استخدام در دستگاه های دولتی همه افراد را مساوی دانسته و اولویت بندی را شدیداً رد می نماید و با توجه به انقضا و اعتبار قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و اصلاحیه های بعد از آن، تقاضای ابطال آن قسمت از مفاد آگهی استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سال ۱۳۹۶ که ناظر به: ۱- اولویت دادن بومی شهرستان بر بومی استان می باشد. ۲- مشمولین استخدامی ۲۵٪ ایثارگران را از شرکت در آزمون معاف کرده است را وفق بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ را از آن مقام عالی دارد.

متن مقرره های مورد اعتراض به قرار زیر است:

«۹- امتیازات و سهمیه های قانونی و نحوه اعمال آنها:

الف) سهمیه ایثارگران

الف - (۱) سهمیه ۲۵٪ ایثارگری: با توجه به معاف بودن مشمولین سهمیه استخدامی ۲۵ درصد ایثارگران (به استثناء خواهر و برادر شهید) از شرکت در آزمونهای استخدامی، براساس هماهنگی های به عمل آمده با بنیاد شهید و امور ایثارگران، مشمولین سهمیه مذکور تا حد امکان قبل از انتشار آگهی از سوی بنیاد شهید استان مربوطه به دانشگاه ذیربط معرفی گردیده و مراحل استخدامی آنها طی گردیده است. لازم به ذکر است در صورتی که سقف سهمیه ۲۵٪ دانشگاه تکمیل نگردیده باشد، مابقی سهمیه در جدول رشته محلها مشخص شده است (نوع سهمیه، «آزاد/ ایثارگر» درج شده است) که در این صورت ایثارگران مکلفند جهت بهره مندی از سهمیه مذکور در رشته محل های مربوطه شرکت نمایند و در بین خود به رقابت بپردازند. در فرایند جذب و استخدام مشمولین سهمیه ۲۵ درصد که در زمان مقرر در آزمون شرکت کرده اند، علاوه بر نمره مکتسبه، اولویتهای مندرج در قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران ملاک عمل خواهد بود (بر اساس ضرایب اعلام شده توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران)

ب) سهمیه آزاد: کلیه سهمیه استخدامی هر دانشگاه پس از کسر سهمیه های استخدامی ایثارگران (مندرج در بند الف) و معلولین عادی (مندرج در بند ب) به داوطلبان بومی «شهرستان» در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب نمره به ترتیب نمره فضلی، اختصاص خواهد یافت. در صورتی که ظرفیت مورد نیاز هر یک از رشته های شغلی مندرج در آگهی استخدام از بین داوطلبان بومی شهرستان تکمیل نگردد، پذیرش بقیه افراد تا تکمیل ظرفیت از بین داوطلبان با اولویت «بومی استان» و سپس داوطلبان «غیربومی» همان رشته شغلی به ترتیب نمره فضلی صورت می پذیرد.

تبصره: در مواردی که رشته مورد تقاضا در «روستا» می باشد سهمیه استخدامی پس از کسر سهمیه های قانونی فوق الذکر در ابتدا به بومی روستای مورد نظر (دارای یکی از شرایط چهارگانه بومی مندرج در ذیل) در صورت کسب حد نصاب نمره و در صورت عدم تکمیل ظرفیت به ترتیب به بومی «شهرستان» ذیربط و بومی «استان» و فرد غیربومی اختصاص می یابد. که در این صورت داوطلبان بومی روستای مورد تقاضا برای استخدام بایستی گزینه مورد نظر را در تقاضا نامه ثبت نام انتخاب نمایند. شرایط بومی بودن افرادی که حداقل دارای یکی از ویژگیهای زیر باشند، حسب مورد داوطلب بومی «شهرستان» یا بومی «استان» تلقی می گردند.

علیرغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۶/۹۷ که به صدور رأی شماره ۱۳۱۰ - ۱۳۹۸/۶/۲۶ منتهی شده است، راجع به خواسته اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تسری ابطال مصوبه به زمان تصویب آن، تصمیم گیری نکرده بود، اینک با اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اثر ابطال مصوبه ابطال شده در رأی مذکور به زمان تصویب مصوبه تسری می یابد. بنابراین ماده ۲۲ تعرفه عوارض محلی هزینه خدمات و کارمزد سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر میانه از تاریخ تصویب ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۲۲۱۴

۱۳۹۸/۸/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیر عامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۵۶ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع: «ابطال معافیت مشمولین استخدامی ۲۵٪ ایثارگران از شرکت در آزمونهای استخدامی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۵۶ شماره پرونده: ۲۲۱۴/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: خانم ندا کرم لو

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتهایی از مفاد آگهی استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی در سال ۱۳۹۶ ناظر بر اولویت دادن بومی شهرستان بر بومی استان و ابطال معافیت مشمولین استخدامی ۲۵٪ ایثارگران از شرکت در آزمون های استخدامی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال قسمتهایی از مفاد آگهی استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی در سال ۱۳۹۶ ناظر بر اولویت دادن بومی شهرستان بر بومی استان و ابطال معافیت مشمولین استخدامی ۲۵٪ ایثارگران از شرکت در آزمون های استخدامی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

احتراماً اینجانب ندا کرم لو داوطلب شرکت کننده در آزمون استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سال ۱۳۹۶ با شماره داوطلبی ۴۰۵۳۵۴۶ رشته کارشناسی تجهیزات پزشکی می باشم که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱ آزمون برگزار شد و از نظر علمی رتبه اول را کسب نمودم. متأسفانه پس از آن که نتایج اعلام شد، متوجه شدم که پس از اعلام سهمیه ها (اعم از بومی و ...) دانشگاه به علت درج اولویت بومی استان (به هنگام ثبت نام) مرا پذیرش نکرده است. از طرفی ۲۵٪ سهمیه های استخدامی به ایثارگران بدون شرکت در آزمون اختصاص یافته است. از آنجا که بعضی از مواد آگهی استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی سال ۱۳۹۶ برخلاف اصول قانون اساسی (۳، ۱۹، ۲۰، ۲۸) و قانون مدیریت خدمات کشوری (مواد: ۴۱، ۴۲، ۴۴) می باشد که مقرر می دارد: ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افرادی که داوطلب استخدام در دستگاه اجرایی می باشند بر اساس مجوزهای صادره و تشکیلات مصوب و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت انجام می شود و مشخصاً الف - در صفحه ۱۴ آگهی در خصوص اولویت بومی اولویت را به بومی شهرستان داده است و اینجانب علیرغم اینکه بومی شهرستان می باشم و برای شهرستان، شهر و استان قم تنها یک کد محل اختصاص یافته است و (به اشتباه بومی استان را نوشته ام) و مطابق تقسیمات کشوری استان قم و شهرستان قم از هم متمایز نیست و قم تنها استانی است که یک شهرستان دارد. از پذیرش اینجانب خودداری کرده است و حال آن که مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۷۴۳ - ۱۳۹۶/۸/۹ اعطای امتیاز

ضریب کا) به موجب دادنامه‌های شماره ۱۹۱۱ و ۱۹۰۸ - ۱۳۹۶/۶/۱۹ به شرح زیر به‌صورت رأی مبادرت کرده است:

نظر به اینکه به موجب بندهای «الف» و «ب» و «پ» ماده ۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ با اصلاحات بعدی کسانی که به موجب حکم رسمی مکلف به اشتغال در دستگاه‌های دولتی می‌گردند مستخدم دولت تلقی می‌شوند و به موجب ماده ۱۵۱ همان قانون خدمت تمام وقت در حکم کارگزینی پیوست، نامبرده مشغول خدمت تمام وقت در دستگاه دولتی می‌باشد هر چند که دوره تعهدات ضریب کا خود را سپری می‌کند لیکن مستخدم دولت تلقی می‌شود و از کلیه مزایای آن از جمله سنوات بازنشستگی برخوردار می‌شود و هر ماه کسورات [کسور] بازنشستگی نیز از حقوق وی کسر و به حساب صندوق بیمه‌ای مربوط واریز می‌شود، لذا از آنجایی که به موجب تبصره ۲ قانون اصلاح قانون تنظیم جمعیت خانواده مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۰ و رأی ایجاد رویه شماره ۶۴ - ۱۳۹۴/۱/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مرخصی زایمان مادران شاغل به ۹ ماه افزایش یافته است و به تبع آن دولت مکلف به پرداخت حقوق ایام ۹ ماهه مرخصی زایمان گردیده است به طریق اولی ایام مذکور جزو سنوات خدمت و بخشی از تعهدات خدمت محاسبه و منظور خواهد شد کما اینکه بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزیر بهداشت که مدت ۶ ماه از مرخصی زایمان را به عنوان خدمت دوره تعهد قابل محاسبه دانسته است موید این موضوع است. از طرف دیگر رأی شماره ۱۳۵ - ۱۳۹۰/۳/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که مورد استناد خوانده قرار گرفته ناظر به احتساب مرخصی استعلاجی جزو زمان انجام تعهدات آنها می‌باشد و ارتباطی به موضوع شکایت ندارد و نمی‌توان از وحدت ملاک آن استفاده کرد. براساس قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قضات به غیر از آراء وحدت رویه و ایجاد رویه تکلیفی به تبعیت از آراء هیأت عمومی که ناظر به ابطال یا عدم ابطال مصوبات و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها می‌باشد ندارند. علی‌ای حال بنا به جهات فوق‌الاشعار شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰، ۱۱، ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظر خواهی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از رأی مذکور، شعبه ۲۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۳۷۰۴ - ۱۳۹۶/۱۰/۵، رأی تجدیدنظر خواسته شماره ۱۹۱۱ - ۱۳۹۶/۶/۱۹ را عیناً تأیید می‌کند ولی در مقام رسیدگی به تجدیدنظر خواهی از رأی شماره ۱۹۰۸ - ۱۳۹۶/۶/۱۹، طی دادنامه شماره ۳۷۴۹ - ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ و با استدلال زیر، رأی تجدیدنظر خواسته را نقض می‌کند و رأی به رد شکایت شاکی بدوی صادر می‌کند. متن رأی شعبه ۲۸ تجدیدنظر به قرار زیر است.

نظر به اینکه پزشکان تخصصی تعهد [متعهد] خدمت، در اجرای مفاد تعهدنامه محضری [که] در ابتدای تحصیل می‌سپارند در واحدهای درمانی یا آموزش وزارت بهداشت ارائه خدمت می‌نمایند و مستخدم آن وزارتخانه مطابق با قانون استخدام کشوری یا آیین‌نامه استخدامی دانشگاهی نمی‌باشند و صرفاً حقوق و مزایای آن [آنان] بر اساس مقررات اخیرالذکر محاسبه و پرداخت می‌شود، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هم بر همین اساس طی رأی شماره ۱۳۵ - ۱۳۹۰/۳/۳۰ آنان را مستحق بهره‌مندی از مرخصی استعلاجی ندانسته است و با این اوصاف شمول مقررات راجع به مرخصی زایمان نسبت به آنان محل ایراد است [۱]، لذا با توجه به مراتب و به تجویز ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته رأی به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. این رأی قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: حکم مقرر در ماده ۱۱ قانون مربوط به خدمت پزشکان و پیراپزشکان مبنی بر اینکه «مشمولان این قانون از لحاظ حقوق و مزایا و امور رفاهی (مرخصی‌های استحقاقی، استعلاجی، بدون حقوق، پاداش، کمک‌های غیرنقدی و بیمه عمر و درمان و حادثه و سایر مزایا) تابع قوانین و مقررات استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت می‌باشند...» نافذ بر خورداری مشمولان قانون از مرخصی زایمان نیست. اما مدت مرخصی زایمان استفاده شده قابل احتساب به عنوان مدت دوره تعهد خدمت نیست زیرا اولاً: بر اساس مواد ۸ و ۷ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۳ و ماده واحده قانون تخصیص سهمیه برای زنان در پذیرش دستیاری

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - با توجه به مفاد رأی شماره ۲۰۷۳ الی ۲۰۸۱ - ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، خواسته اول شاکی مبنی بر ابطال قسمتهایی از مفاد آگهی استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی در سال ۱۳۹۶ مشمول رأی پیش گفته هیأت عمومی است و موجبی برای رسیدگی مجدد به آن وجود ندارد.

ب - با توجه به اینکه اولاً: به موجب ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مقرر شده است سهمیه استخدامی ایثارگران «وفق ضوابط و مجوزهای مربوط» صورت پذیرد لذا در اجرای این مقرر قانونی لازم است سایر شرایط و مقررات عمومی استخدام از جمله شرط شرکت در آزمون رعایت شود و معافیت از شرکت در آزمون به علت انقضای مدت قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به موجب ماده ۷۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران موضوعیت ندارد، ثانیاً: شرایط و مقررات عمومی حاکم از جمله ماده ۴۱ و ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، ورود به خدمت در دستگاه‌های اجرایی را صرفاً بر اساس مجوزهای صادره، تشکیلات مصوب و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت‌ها و از طریق آزمون عمومی اجازه داده است که رعایت آن در اعمال سهمیه استخدامی بین مشمولین ماده ۲۱ قانون مذکور لازم است، ثالثاً: معرفی نامه بنیاد شهید و امور ایثارگران صرفاً در حد احراز شرایط ایثارگری داوطلبان دارای اعتبار است و به خودی خود حقی جهت استخدام ایجاد نمی‌کند. رابعاً: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیش از این نیز به موجب رأی شماره ۱۸۴۹ الی ۱۸۵۱ - ۱۳۹۷/۹/۲۰ بر لزوم شرکت ایثارگران در آزمون استخدامی جهت بهره‌مندی از سهمیه ایثارگران تأکید کرده است، بنابراین مقرر مورد شکایت از این حیث که ایثارگران را جهت استخدام در دستگاه‌های اجرایی معاف از شرکت در آزمون اعلام کرده و موکول به معرفی از سوی بنیاد شهید دانسته است مغایر با قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۸۰۲۹۹۶

۱۳۹۸/۸/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۵۰۵ مورخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ با موضوع: «عدم احتساب ایام مرخصی زایمان به عنوان جزئی از طول دوره تعهد خدمت دستیاران تخصصی پزشکی.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۳۰ شماره دادنامه: ۱۵۰۵ شماره پرونده: ۲۹۹۶/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

اعلام‌کننده تعارض: آقای محمدرضا پورقربانی (قاضی دیوان عدالت اداری)

موضوع تعارض آراء: احتساب مرخصی زایمان به عنوان بخشی از تعهدات دوره

تخصصی پزشکی

گردش کار: آقای محمدرضا پورقربانی (قاضی دیوان عدالت اداری) به موجب لایحه ای اعلام کرده است که در رابطه با احتساب ۹ ماه مرخصی زایمان به عنوان بخشی از تعهدات دوره تخصصی دستیاران تخصصی، آراء متناقضی از شعبه ۲۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صادر شده است. نامبرده رفع تعارض در آراء و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۳۰۰۵۸۵ و ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۳۰۰۵۸۵ با موضوع دادخواست خانم‌ها فروغ رزمجوی و اکرم‌السادات فریدنی به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به‌خواسته احتساب ۹ ماه مرخصی زایمان به عنوان بخشی از تعهدات دوره تخصصی (دوره

۱۳۸۰/۱۱/۱۴، ۸۴۸، ۱۳۸۷/۱۲/۱۱، ۱۵۲۹، ۱۳۹۳/۹/۲۴، ۲۲۹، ۱۳۹۳/۵/۲۲، ۳۴۷ و ۳۴۸، ۱۳۸۶/۶/۲۵، ۱۸۱۸، ۱۳۹۳/۱۱/۱۶، ۹۷، ۱۳۹۳/۶/۲۵، ۲۹۳، ۱۳۹۵/۴/۱، ۱۹۱۰، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷، ۹۸، ۱۳۹۳/۵/۲۸، ۳۷۰، ۱۳۹۱/۱۰/۲۶، ۷۶، ۱۳۹۳/۵/۲۱، ۶۳، ۱۳۹۲/۵/۱۴ آن دیوان در موارد مشابه مغایر شناخته شده است لذا ضمن اعتراض به تصمیم فوق از محضر ریاست دیوان عدالت اداری مستنداً به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۹۲، ۸۸، ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال ماده ۱۳ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی شهر همدان در مورد لغو مبلغ عوارض اعلام شده مورد استدعاست.»

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۷ - ۹۳۶ - ۲ مورخ ۱۳۹۷/۷/۷ ثبت دفتر اداره کل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده پاسخ داده است که:

«مصوبه شورای شهر با ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها مغایر است چرا که در ماده ۱۰۰ اعلام شده است در مورد تخلفات ساختمانی کمیسیون تصمیم گیرنده است. برابر رأی ۱۰۲ - ۱۳۹۶/۱۲/۷ کمیسیون ماده ۱۰۰ همدان اینجانب به پرداخت ۳۳۶/۹۶۰/۰۰۰ ریال محکوم شده‌ام و اضافه کردن ۲۰٪ جریمه به مبلغ ۶۷/۳۹۲/۰۰۰ ریال تحت عنوان عوارض بهره‌برداری مستنداً به ماده ۱۳ تعرفه عوارض ۱۳۹۶ شهرداری برخلاف ماده ۱۰۰ شهرداریها و بر خلاف ماده ۱۱۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی است. در ثانی اینکه دادنامه ۸۴۸ - ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ صادره از دیوان عدالت اداری درست مطابق با شکایت بنده صادر شده است و خواهان آن پرونده نیز مشکل بنده را داشته اند لذا پیرو شکایت مطروحه تقاضای صدور حکم بر نقض مصوبه یاد شده مورد استدعاست.»

متن تعرفه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«ماده ۱۳ - املاک که دارای ابقاء بنا و جریمه از کمیسیون ماده ۱۰۰ می‌باشند در کاربریهای تجاری و اداری خصوصی (ده درصد) مبلغ جریمه و در کاربریهای مسکونی و سایر کاربریها (بیست درصد) مبلغ جریمه به عنوان بهای خدمات توسعه زیر ساختهای شهری وصول گردد. مبلغ وصولی از این محل باید عیناً جهت توسعه زیر ساختهای شهری و تجهیزات آتش‌نشانی هزینه شود. در صورت انصراف مالک پس از پرداخت عوارض مندرج در این تعرفه معادل ۱۰٪ تا سقف بیست میلیون ریال از عوارض پرداختی بابت بهای خدمات ارائه شده اداری کسر و الباقی عودت خواهد شد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر همدان به موجب لایحه شماره ۷۰/۱/۳۶۳۳۲۶ - ۱۳۹۷/۸/۲۰ توضیح داده است که:

«اولاً: آقای محمدحسین مرادی در مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۶ اقدام به اخذ پروانه ساختمانی مسکونی به شماره ۱/۹۵/۱۵۸ در آدرس بلوار بهادریگی کوی شهید خادم کوچه شفق در سه و نیم طبقه می‌نماید و با عنایت به گزارش مهندس ناظر ساختمان آقای رضا مظاهری به شهرداری منطقه یک همدان مبنی بر تخلف جلو آمدن و اضافه کردن کنسول از سمت حیاط در کل عرض ساختمان به صورت سرتاسری بر این اساس گزارش تخلفات ساختمانی پلاک ۲۲/۴۰۰ دارای پروانه ساختمانی موصوف با توجه به گزارش مهندس ناظر طبق تبصره ۲ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها در چهار بند تنظیم و جهت تصمیمات مقتضی به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارسال می‌شود و کمیسیون ماده ۱۰۰ تشکیل جلسه داده و تصمیم بر بازدید اعضای کمیسیون از ملک و رضایت محضری از پلاکهای مجاور (عدم رعایت طول مجاز) اخذ گردد گرفته می‌شود. طی سند رضایت نامه‌های شماره ۵۵۹۵۹ و ۵۵۹۵۵ - ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۵ همدان از مالکین پلاک مجاور اخذ می‌گردد و براین اساس کمیسیون ماده ۱۰۰ طی رضایت ارائه شده و همچنین بازدید از ملک اقدام به صدور رأی شماره ۱/۱۰۴۶ در چهار بند مبنی بر جریمه با احتساب ارزش معاملاتی سال ۱۳۹۶ می‌شود و این رأی در فرجه قانونی مورد اعتراض قرار گرفته و مجدد در کمیسیون تجدیدنظر ماده ۱۰۰ مطرح و با توجه به نامه شهرداری به شماره ۱/۱۸۰۴۹۵ - ۱۳۹۶/۱۲/۶ مبنی بر اصلاح گزارش مغایرت ضمن اصلاح گزارش رأی تجدیدنظر صادر می‌شود.

ثانیاً: همان طور که مستحضری مطابق ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است، همچنین برقراری عوارض به درآمدهای ماخذ محاسبه مالیات، سود سهم شرکتها، سود اوراق مشارکت سود سپرده گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی مجاز، توسط شورای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد، اما در تبصره ۱ ماده قانون مذکور شورای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید، که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد، تصویب و اعلام عمومی نمایند لیکن شورای اسلامی شهر اختیار دارد خارج از موارد موضوع قانون فوق اقدام به وضع عوارض محلی نماید و شهرداریها موظف و ملزم به اجرای این مصوبات هستند.

رشته‌های تخصصی پزشکی مصوب سال ۱۳۷۲ و ماده ۱۴ قانون مربوط به خدمات پزشکان و پیراپزشکان مصوب سال ۱۳۷۵ و قانون برقراری عدالت آموزش در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب سال ۱۳۸۹، فارغ‌التحصیلان موضوع قوانین یاد شده اعم از مجرد یا متأهل موظفند پس از اتمام دوره، مدتی را که حسب مورد یک، دو یا سه برابر مدت تحصیل است تعهد خدمتی خود را ایفاء کنند و مادامی که تعهدات خود را به طور کامل انجام ندهند مجاز نیستند به طور آزاد در امور پزشکی مداخله کنند و تعهد اخذ شده از آنان قابل خرید و جابه جایی نیست. ثانیاً: برخورداری از مرخصی زایمان و احتساب آن به عنوان سابقه خدمت با انجام تعهد به خدمت در مناطق تعیین شده به میزانی که متعهد مکلف به انجام آن است مزاحمتی ندارد و مکلف موظف به اتیان همه اطراف تکلیف است. الا در جایی که عمل به همه آنها میسر نباشد و چون هدف قانونگذار به شرح مواد قانونی پیش گفته انجام وظیفه پزشکی در مناطق مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مابه ازاء برخورداری از منابع دولتی در تحصیل علم است، بنابراین اشخاص موضوع قانون ولو از مرخصی زایمان برخوردار شده باشند مکلف به انجام تعهد خدمت به میزان تعهد سپرده شده هستند تا نظر مقنن و نیاز کشور به پزشک متخصص در مناطق مورد نیاز تأمین شود. ثالثاً: مفاد رأی شماره ۱۳۵ - ۱۳۹۰/۳/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم احتساب ایام مرخصی استعلاجی به عنوان جزئی از طول دوره تعهد خدمت مؤید استدلالهای پیش گفته است. بنابر مراتب رأی شعبه ۲۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۳۷۴۹ - ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ که رأی شماره ۱۹۰۸ - ۱۳۹۶/۶/۱۹ شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری را نقض کرده و رأی به رد شکایت بدوی صادر کرده است صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۰۹۳۶

۱۳۹۸/۸/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به‌شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۳۱۸ مورخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ با موضوع: «ابطال ماده ۱۳ تعرفه مصوب عوارض سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر همدان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۳۰ شماره دادنامه: ۲۳۱۸ شماره پرونده: ۹۳۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمدحسین مرادی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۳ تعرفه مصوب عوارض سال ۱۳۹۶

شورای اسلامی شهر همدان

گردش‌کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال ماده ۱۳ تعرفه مصوب عوارض سال

۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر همدان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری با عرض سلام و احترام اینجانب محمدحسین مرادی مالک پلاکی ثبتی ۲۲/۴۰۰ دارای پروانه ساختمانی ۱/۹۵/۱۵۸ - ۱۳۹۵/۱۱/۲۶ به‌عرض می‌رساند در پی احداث بنا در آدرس محل سکونت خود به علت مقدار ۳۵/۱ مترمربع تخلف پیش آمدگی ساختمان از قسمت حیاط در سه طبقه برابر رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری همدان به شماره ۹۵۶۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ در پرونده کلاسه ۱۰۲ و پرداخت مبلغ ۳۳۶/۹۶۰/۰۰۰ ریال جریمه محکوم شده‌ام که در مراجعه به شهرداری علاوه بر جریمه اعلام شده در اجرای ماده ۱۳ تعرفه مصوب عوارض سال ۱۳۹۶ شهرداری که در دفتر عوارض از سوی اعضای شورای اسلامی همدان تصویب شده است مبلغ ۶۷/۳۹۲/۰۰۰ ریال معادل ۲۰ درصد جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ عوارض تحت عنوان بهره‌برداری نیز به آن اضافه شده است و دایره درآمد شهرداری اعلام کرده است باید مبلغ ۴۰۴/۳۵۲/۰۰۰ ریال در مجموع پرداخت نماید لذا چون اخذ عوارض اضافه بنا مازاد بر جرایم ماده ۱۰۰ بر خلاف قوانین و مغایر با رویه قضایی آن دیوان عدالت اداری است که در آراء متعددی از جمله رأی شماره ۱۳۵۵ - ۱۳۹۱ - پرونده ۱۰۰۴/۹۵، ۳۵۴ الی ۳۵۸ -

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

طبق مقررات تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، تخلف ساختمانی براساس ارزش معاملاتی ساختمان موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ جریمه دریافت می‌شود و بعد از ابقاء تخلفات در کمیسیون ماده ۱۰۰ بر اساس مقررات قانونی و آراء هیأت عمومی از جمله آراء شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ علاوه بر حقوق دیوانی که تحت عنوان عوارض صدور پروانه از مالکین اخذ می‌گردد اخذ وجه دیگری تحت عنوان بهای خدمات توسعه زیرساختهای شهری به میزان ده درصد یا ۲۰ درصد از جریمه مغایر قوانین و خارج از حدود اختیارات است و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۰۹۱۶ - ۱۳۹۸/۸/۲۲
بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۳۹۸/۷/۳۰ مورخ ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۳۱۵ الی ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۳۱۳ با موضوع: «یام بهره‌مندی از مرخصی زایمان جزو دوره تعهد خدمت پزشکان متخصص دوره دستیاری پزشکی محسوب نمی‌شود.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۳۰ شماره دادنامه: ۲۳۱۳ الی ۲۳۱۵

شماره پرونده: ۴۳۸/۹۸، ۳۷۶۴/۹۷، ۹۱۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقایان: امیر طریقی، سیدحسین جلالی و خانم: سیری جهانگیری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۰۴ -

۱۳۹۴/۵/۱۷ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

گردش کار: الف) آقای امیر طریقی به موجب دادخواستی ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری با سلام و احترام: همان طور که مستحضر هستید پس از تصویب قانون اصلاح قوانین تنظیم خانواده که مطابق تبصره ۲ آن به دولت اجازه داده شده است مرخصی زایمان مادران را به ۹ ماه افزایش دهد، هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۹ طی بند اول تصویب نامه شماره ۹۲۰۹۱ مدت مرخصی زایمان همه زنان شاغل (اعم از بخش دولتی و غیردولتی) را ۹ ماه تمام با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوطه تعیین نمود. متعاقباً وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در بخشنامه‌ای که برخلاف متن قانون و تصویب نامه هیأت وزیران و خصوصاً قوانین تأمین اجتماعی است طی بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ صرفاً ۴ ماه از مرخصی زایمان را جزو دوره تعهد خدمت پزشکان (طرح ضریب کا) محاسبه نمود! این مساله در حالی است که:

اولاً: مطابق قوانین سابق تأمین اجتماعی، مرخصی زایمان ۶ ماه بود و در قوانین برای وزیر اختیاری در تعیین زمان کمتری (۴ ماه) به عنوان مرخصی زایمان در نظر گرفته نشده است.

ثانیاً: با تصویب قانون اصلاح قوانین تنظیم خانواده و صراحت تبصره ۲ آن و تصویب نامه هیأت وزیران، مبنی بر افزایش مدت مرخصی زایمان به ۹ ماه تعیین هر مدتی اعم از ۴ ماه مصرح در بخشنامه وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، غیرقانونی و خلاف صریح قانون مدون و تصویب نامه مصوب مرجع بالاتری چون هیأت وزیران است.

ثالثاً: همان طور که از مَر صریح قانون و خصوصاً تصویب نامه هیأت وزیران برمی‌آید،

مرخصی زایمان جزو سنوات کاری زن به حساب می‌آید، در حالی که در بخشنامه وزیر ۵ ماه از مدت مرخصی زایمان جزو سوابق کاری مادر به حساب نیامده و از این رو مخالف آشکار با قانون و تصویب نامه ۹۲۰۹۱۰ - ۱۳۹۲/۴/۱۹ دارد.

ثالثاً: آنچه آقای محمدحسین مرادی در دادخواست خود مبنی بر عوارض بهره‌برداری بدان اشاره و از محضر هیأت عمومی دیوان ابطال آن را درخواست کرده است دقیقاً خلاف نظر نامبرده و عنوان آن بهای خدمات توسعه زیرساختهای شهری می‌باشد. بنابراین ماده ۱۳ صفحه ۸ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ مشعر بر این است که «املاکی که دارای ابقاء بنا و جریمه از کمیسیون ماده ۱۰۰ می‌باشند و در کاربریهای تجاری و اداری خصوصی ۱۰٪ مبلغ جریمه و در کاربریهای مسکونی و سایر کاربریها ۲۰٪ مبلغ جریمه به‌عنوان بهای خدمات توسعه زیرساختهای شهری وصول گردد...» لیکن آنچه که از مفهوم منطوق این وضع عوارض مستفاد می‌شود عدم مغایرت و مخالفت آن با قانون و بین شرع می‌باشد.

رابعاً: با توجه به اینکه عوارض و جریمه در مقوله جداگانه است، وصول جریمه مانع و نافی گرفتن عوارض‌های قانونی شهرداری نیست بر این اساس رأی شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مشعر بر «نظر به اینکه جرایم مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در واقع و نفس الامر به منزله مجازات تخلفات ساختمانی مورد نظر مقنن بوده و انواع مختلف عوارض قانونی در حقیقت از نوع حقوق دیوانی ناشی از اعمال مجاز محسوب می‌شود، بنابراین به لحاظ تفاوت و تمایز وجوه عناوین مذکور در یکدیگر مصوبه مورد اعتراض از جهت این که مفید لزوم استیفاء عوارض قانونی مربوط است مغایرتی با قانون ندارد.» و نیز دادنامه شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اشاره به اینکه «چون در رأی شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ هیأت عمومی اخذ عوارض علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مغایر قانون تشخیص نشده است ولی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۲۴۲ - ۱۳۹۵/۴/۱ با لحاظ رأی شماره ۳۵۴ الی ۳۵۸ - ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ و در مقام اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ وضع عوارض علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری را مغایر قانون تشخیص داده است و در نتیجه تعارض بین این آراء محرز است و از آنجا که هیأت عمومی در رأی شماره ۳۵۸ - ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ بخشنامه معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران در وضع عوارض علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری را صرفاً از این حیث که تصویب این مصوبه از حدود اختیارات معاون شهرداری خارج است، ابطال کرده و هیأت عمومی در ماهیت مصوبه تصمیمی اتخاذ نکرده بود و در نتیجه در رأی شماره ۲۴۲ - ۱۳۹۵/۴/۱ که مصوبه جلسه ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ شورای اسلامی شهر کرج در وضع عوارض علاوه بر جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ در مقام اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و به لحاظ مغایرت با رأی ۳۵۴ - ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ ابطال شده منطبق با قانون صادر نشده است چرا که مصوبه شورای اسلامی کرج توسط مرجع صالح تصویب شده و هیأت عمومی بیشتر از این رأی در ماهیت عوارض علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری تصمیمی اتخاذ نکرده بود بنابه مراتب چون ماهیت جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ و عوارض تصویب شده با یکدیگر متفاوت است ضمن نقض رأی شماره ۲۴۲ - ۱۳۹۵/۴/۱ در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مصوبه جلسه ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ شورای اسلامی شهر کرج در وضع عوارض قانونی علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری قابل ابطال تشخیص نمی‌گردد» تکلیف تفکیک عوارض ماده ۷۷ و ۱۰۰ را قانون شهرداری معین نموده که بر این اساس چنانچه مستحضرد مصوبات شورای اسلامی شهر در حکم قانون و مقررات می‌باشد و با توجه به اینکه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در زمره مقررات لازم‌الرعایه است و از طرف دیگر منع اخذ عوارض علاوه بر جریمه صادره توسط کمیسیون ماده ۱۰۰، موجبات گرایش اشخاص به ساخت و سازهای غیرمجاز را فراهم می‌نماید و کاهش درآمد شهرداری را در پی خواهد داشت، بنابراین شورای اسلامی شهر نمی‌تواند تمام یا برخی از متخلفان را از پرداخت عوارض معاف نماید.

خامساً: آنچه از مفهوم دادخواست آقای محمدحسین مرادی به نظر مستفاد می‌گردد اختلاف ایشان بر موضوع اخذ و میزان عوارض ماده ۱۳ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ می‌باشد لیکن مرجع حل اختلاف ابتدا کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریهاست زیرا این قانون دایر «بر رفع هرگونه اختلاف بین مودی و شهرداری در مورد عوارض است» و می‌تواند در صورت اعتراض به آراء صادره از کمیسیون ماده ۷۷ به دیوان عدالت اداری مراجعه و تقاضای رسیدگی مبنی بر مخالفت آن بین شرع و قانون را نمایند که ایشان این مراحل را طی نکرده است و تقاضای ابطال عوارض شورای اسلامی شهر از آن هیأت کرده است. بنابراین طرح دادخواست با عنایت به توضیحات صدر و جهات قانونی ندارد.

نهایتاً: با عنایت به مفهوم مصرحه لایحه دفاعیه حاضر و اسناد و مدارک پیوستی و اینکه وضع ماده ۱۳ عوارض شورای اسلامی شهر مخالف قانون و شرع نمی‌باشد از محضر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای رد دادخواست مبحث عنه و تایید و ابرام ماده فوق مورد استدعاست.»

مشخص و معلوم است، با مساعدت وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در بخشنامه مورد اشاره مقرر گردیده است که ۴ ماه از مدت مرخصی زایمان ایشان به عنوان خدمات مورد تعهد این متعهدین احتساب و از مدت خدمت آنها کسر گردد.

۵ - بر این اساس در فرض لغو بخشنامه مورد اشاره دیگر حتی این مدت نیز در مدت تعهدات این متخصصین احتساب نگردیده و این افراد موظف به انجام مدت اعلامی در اسناد تعهد می‌باشند، زیرا لغو بخشنامه به معنای احتساب نه ماه مدت مرخصی به‌عنوان تعهدات دوره تخصص نمی‌باشد. توضیح اینکه: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در راستای اهداف و وظایف محوله و تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن، نسبت به تربیت نیروی متخصص از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی و بهداشتی وفق قوانین و مقررات اقدام می‌نماید و افرادی که جهت تحصیل در دوره‌های مختلف پزشکی انتخاب و گزینش می‌شوند با توجه به مقاطع تحصیلی و مهارتهای دیگر که برای پذیرش رشته‌ها و دوره‌ها وجود دارد، حسب مقررات موجود، ملزم به انجام خدمت در نقاط مورد نیاز کشور به تشخیص این وزارتخانه می‌باشند. باتوجه به دوره‌های مختلف و سهمیه‌های متفاوت این افراد دارای تعهدات مختلف می‌باشند.

۶ - افرادی که در آزمون دستیاری تخصصی پذیرفته می‌شوند نیز برابر قوانین و مقررات مختلف از جمله ماده ۸ قانون اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی و مفاد نشستهای شورای آموزش پزشکی و تخصصی دارای تعهد خدمت می‌باشند. که این تعهدات بر حسب نوع سهمیه ای که دستیاران پذیرفته شده‌اند متفاوت است. اشاره می‌نماید تمامی دستیاران دوره‌های تخصصی در ابتدای تحصیل با حضور در دفاتر اسناد رسمی متعهد می‌گردیدند که خدمات مورد تعهد را به‌میزان اعلامی در اسناد تعهد و در هر محلی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌نماید، خدمت کنند. با توجه به مراتب فوق‌الذکر از آنجایی که فارغ‌التحصیلان دوره تخصص متعهد خدمت به این وزارتخانه می‌باشد و نه مستخدم این وزارتخانه، بنابراین از حیث احتساب مدت مرخصی زایمان، مشمول قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ و تصویب نامه شماره ۹۲۰۹۱/ت۴۶۵۲۷ - ۱۳۹۲/۴/۱۹ هیأت وزیران نبوده و متعهد به مفاد قراردادهای ایداعی مربوطه بوده و در صورتی که در مدت تعهدات قراردادی خود از مرخصی زایمان استفاده نمایند، بدیهی است که مدت مزبور جزء تعهدات خدمت ایشان محسوب نمی‌گردد. معهداً وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۴ وفق بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ صرفاً در راستای تسهیل و ترویج فرزندآوری و تحکیم مبانی خانواده برای هر زایمان خانمهای متعهد متخصص و به‌ازای هر فرزند، مدت چهار ماه از مرخصی زایمان ایشان را به عنوان خدمت دوره تعهد کلیه متخصصین عام یا خاص (اعم از هیأت علمی و غیرهیأت علمی) قابل احتساب اعلام نموده است.

۷ - ضمناً توجه آن مقام را به دادنامه شماره ۱۳۵ - ۱۳۹۰/۳/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص احتساب مرخصی‌های استعلاجی متخصصین متعهد خدمت به عنوان قسمتی از تعهدات جلب می‌نماید که مطابق مفاد رأی مزبور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری متعهدین خدمت دوره تخصص را که بر اساس مفاد سند تعهد خدمت می‌نمایند از شمول مقررات استخدامی خارج دانسته و رأی به عدم احتساب مدت مرخصی استعلاجی جزء مدت تعهدات صادر نموده است.

۸ - در ارتباط با استناد شاکی به بخشنامه ۱۰۰/۷۷۰ - ۱۳۹۴/۹/۱ وزارت بهداشت نیز لازم به ذکر است، همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید بخشنامه مذکور در ارتباط با نیروهای رسمی، رسمی آزمایشی و مشمولین قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان، پیمانی و قراردادی بوده و ارتباطی با متعهدین خدمت دوره‌های تخصص ندارد صرف نظر از اینکه همان‌گونه که در فوق اشاره گردید هیچ منعی برای استفاده این متعهدین از ۹ ماه مرخصی زایمان وجود ندارد و امکان استفاده آن از رأی ایشان وجود دارد.

با توجه به مراتب مذکور و نظر به اینکه این متعهدین مستخدم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نبوده و صرفاً در اجرای مقررات مربوطه و سند تعهد متعهد خدمت این وزارتخانه می‌باشند، رد شکایت مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد.

ب) آقای سیدحسین جلالی به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال بند ۲ دستورالعمل شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً ابطال بند ۲ دستورالعمل شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ مقام عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بند ۲ در هر زایمان به‌ازای هر فرزند مدت ۴ ماه از مرخصی زایمان به عنوان خدمت دوره تعهد کلیه متخصصین عام یا خاص قابل محاسبه می‌باشد به دلیل مخالفت با قانون و شرع مورد تمنا می‌باشد که شرح دلایل مستنداً و مستدلاً به لایحه ضمیمه می‌باشد.»

متن لایحه تکمیلی به قرار زیر است:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

احتراماً ابطال بند ۲ دستورالعمل شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ مقام عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی «بند ۲ - در هر زایمان به‌ازای هر فرزند مدت ۴ ماه از مرخصی زایمان به عنوان خدمت دوره تعهد کلیه متخصصین عام یا خاص قابل

رایعاً: وزیر بهداشت در بخشنامه دیگری به شماره ۱۰۰/۷۷۰ - ۱۳۹۴/۹/۱ که با عموماً قانونی همخوانی دارد، محل دریافت حقوق دوره مرخصی زایمان را تا ۹ ماهگی مشخص کرده است به این معنا که مطابق بخشنامه ۷۷۰ مادران مشمول طرح ضریب کا تا ۹ ماه مستحق دریافت حقوق (از دانشگاه یا بیمه حسب مورد) می‌باشند، در حالی که مطابق بخشنامه شماره ۴۰۴ مدت ۵ ماه از این دوره که بابتش حقوق دریافت شده جزئی از خدمت مادر محسوب نشده و مادر می‌باید پس از پایان دوره ۹ ماهه مرخصی زایمان، نسبت به انجام تعهد ۵ ماهه باقیمانده اقدام کرده و مجدداً بابت آن حقوق دریافت دارد. چنین تناقضی از آنجا ناشی می‌شود که مطابق صراحت تصویب‌نامه هیأت‌وزیران، مرخصی ۹ ماهه زایمان با داشتن حقوق کامل اعطا شده است و از این رو قطعاً می‌باید مدت آن جزو دوره خدمت مادران پزشکی که مشغول گذراندن دوره طرح تخصص خود هستند محسوب گردد. کما اینکه این مدت برای مشمولین قوانین تأمین اجتماعی در بخش خصوصی و برای مشمولین قوانین استخدامی در بخش دولتی، جزئی از سنوات مادران استفاده‌کننده از مرخصی زایمان محسوب می‌گردد.

خامساً: مطابق بند ۹ از اصل ۳ قانون اساسی، مشخصاً بخشنامه وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تبعیضی بین مادران پزشک مشمول طرح تخصصی و سایر مادران برقرار می‌کند. زیرا دسته اول صرفاً ۴ ماه از دوره طرحشان جزو سوابق خدمتی منظور می‌گردد اما در خصوص بقیه کل ۹ ماهه مرخصی زایمان جزو سوابق ایشان منظور می‌گردد.

التهایه ضمن طرح مساله و با توجه به اینکه مطابق قوانین، مدت مرخصی زایمان، طبق قانون مجلس و تصویب نامه هیأت وزیران ۹ ماه است و در هیچ کجای قانون، اختیاری برای وزیر جهت محدود کردن این حق نسبت به پزشکان مشمول طرح وجود ندارد و از آنجا که بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزیر بهداشت به‌حقوق مکاتبه مادران پزشک مشمول طرح تخصصی ضریب کا خدشه وارد کرده و بنیان‌های خانواده و فرزندآوری را متزلزل می‌نماید، بدین وسیله تقاضای ابطال آن را دارم.»

متن بخشنامه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

«۲- در هر زایمان به‌ازای هر فرزند چهار ماه از مرخصی زایمان به عنوان دوره تعهد کلیه متخصصین عام یا خاص (اعم از هیأت علمی و غیرهیأت علمی) قابل محاسبه می‌باشد. - وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۹۰۸ - ۱۳۹۷/۱/۱۱ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در ارتباط با پرونده کلاسه ۸۳۸۳۶ موضوع شکایت آقای امیر طریقی به خواسته ابطال بند دوم بخشنامه ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موضوع احتساب ۴ ماه از مدت مرخصی زایمان متخصصین خانم که در حال گذراندن تعهدات دوره مربوطه می‌باشند به عنوان خدمت دوره تخصص مراتب ذیل به‌استحضار می‌رسد:

۱- شاکی وفق دادخواست تقدیمی اعلام نموده است که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وفق بند دوم بخشنامه مذکور صرفاً چهار ماه از نه ماه مدت مرخصی زایمان متخصصین خانم که در حال انجام تعهدات مربوط به دوره دستیاری می‌باشند به‌عنوان خدمات دوره تخصص احتساب می‌گردد. وی با استناد به ماده واحده قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ و تصویب‌نامه شماره ۹۲۰۹۱/ت۴۶۵۲۷ - ۱۳۹۲/۴/۱۹ هیأت وزیران متقاضی ابطال بند دوم بخشنامه ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گردیده است.

۲- در خصوص شکایت مطروحه لازم به ذکر است، استناد شاکی در دادخواست تقدیمی به تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ که وفق آن اعلام شده است، به دولت اجازه داده شده است مرخصی زایمان مادران را به نه ماه افزایش دهد و همچنین مصوبه هیأت وزیران به شماره ۹۲۰۹۱/ت۴۶۵۲۷ - ۱۳۹۲/۴/۱۹ که برابر آن مدت مرخصی زایمان (یک و ۲ قلو) زنان شاغل در بخشهای دولتی و غیردولتی را نه ماه تمام با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط تعیین کرده است می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌فرمایید، مستندات مذکور در خصوص افزایش مرخصی زایمان مستخدمین از شش ماه به نه ماه بوده و هیچگونه ارتباطی به احتساب مدت مرخصی زایمان متعهدین خدمت دوره دستیاری به عنوان بخشی از تعهدات مربوطه ندارد.

۳- مشمولان بخشنامه مورد اعتراض شاکی مستخدمین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نبوده، بلکه بخشنامه مذکور در ارتباط با متعهدینی است که با توجه به‌اسناد تعهد ایداعی به وزارت بهداشت، پس از پایان تحصیل، متعهد به انجام خدمات مورد تعهد به میزان اعلامی در مفاد سند مزبور در مناطق مورد نیاز این وزارتخانه می‌باشند.

۴- این افراد مطمئناً حق استفاده از مرخصی زایمان را به مدت نه ماه دارند معهداً مدت مزبور جزو خدمات مورد تعهد آنان که میزان آن در اسناد تعهد قراردادی مشخص و معین می‌باشد محسوب نمی‌گردد و اتفاقاً بخشنامه مورد اعتراض شاکی در راستای مساعدت با این افراد بوده علیرغم اینکه مدت تعهدات قراردادی این افراد در اسناد تعهد

قانون تنظیم جمعیت خانواده مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۰ و رأی وحدت رویه شماره ۶۴ - ۱۳۹۴/۱/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مرخصی زایمان مادران شاغل به ۹ ماه افزایش یافته است و به تبع آن دولت مکلف به پرداخت حقوق مزایای ایام ۹ ماهه زایمان نیز گردیده است به طریق اولی ایام مذکور جزو سنوات خدمتی و بخشی از دوره تعهدات می باشد بخشنامه مورد اعتراض باعث تضییع حقوق اینجانب گردیده است ابطال بخشنامه صادره و رسیدگی و صدور رأی وفق مواد ۱۰ و ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به استدلال مصرح در رأی وحدت رویه شماره ۱۵۰۵ - ۱۳۹۸/۷/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر اینکه ایام بهره‌مندی از مرخصی زایمان جزو دوره تعهد خدمت پزشکان متخصص دوره دستیاری پزشکی محسوب نمی‌شود و با عنایت به اینکه در قوانین موضوعه اختیاری برای وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیش بینی نشده است تا بتواند مدتی از مرخصی زایمان پزشکان متخصص متعهد خدمت را به‌عنوان قسمتی از طول دوره تعهد خدمت احتساب کند، بنابراین بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که چهار ماه از ایام مرخصی زایمان را به عنوان خدمت دوره تعهد کلیه متخصصین قابل محاسبه اعلام کرده است از این جهت که وضع چنین مقرره‌ای از شئون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی محسوب نمی‌شود و اساساً ایام بهره‌مندی از مرخصی زایمان به عنوان دوره تعهد خدمت قابل احتساب نیست، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۰۳۲۸ - ۱۳۹۸/۸/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۳۹۸/۷/۳۰ مورخ ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۳۲۰ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۳۱۹ «ابطال تعرفه شماره ۵۰۴ - ۹۶ موضوع مصوبه شماره ۱۷/۸۰۷/شخ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ - شورای اسلامی شهر خارگ» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۳۰ شماره دادنامه: ۲۳۲۰ - ۲۳۱۹

شماره پرونده: ۳۴۶۴/۹۷، ۳۲۸/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: شرکت پایانه‌های نفتی ایران و شرکت دریا پیمان بوشهر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه شماره ۵۰۴ - ۹۶ موضوع مصوبه شماره

۱۷/۸۰۷/شخ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ شورای اسلامی شهر خارگ

گردش کار: الف - آقای سیدیحیی محمدی نماینده حقوقی شرکت پایانه‌های نفتی

ایران به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره ۵۰۴ - ۹۶ موضوع مصوبه شماره

۱۷/۸۰۷/شخ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ شورای اسلامی شهر خارگ را خواستار شده و در جهت

تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«حترماً به استحضار می‌رساند: شورای اسلامی شهر خارگ به موجب تعرفه شماره ۵۰۴ - ۹۶

موضوع ابلاغ مصوبه شماره ۱۷/۸۰۷/شخ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ و برخلاف نص صریح قانون مالیات

بر ارزش افزوده و آرای متعدد و متواتر صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر

ممنوعیت قانونی وضع عوارض بر قراردادهای بیمانکاری مبادرت به وضع عوارض شهرداری بر

قراردادهای بیمانکاری طرف قرارداد با این شرکت به ماخذ هشت درصد حق بیمه پرداختی

بیمانکاران به سازمان تأمین اجتماعی نموده و از طرفی علیرغم اینکه شرکت پایانه‌های نفتی

ایران در نقاط مختلف کشور اعم از تهران، شمال، جزیره خارگ، بوشهر، عسلویه، ماهشهر،

جاسک و ... فعالیت داشته و صلاحیت و دامه فعالیت آن محلی نمی‌باشد و براساس مفاد نامه

شماره ۲۶۸۲۹ - ۱۳۹۳/۳/۱۸ سازمان برنامه و بودجه کشور، در زمره دستگاه‌های ستادی و

ملی محسوب شده است، لیکن شورای اسلامی شهر خارگ که صلاحیت وضع عوارض محلی

داشته به موجب تعرفه مورد اعتراض خارج از صلاحیت و اختیارات قانونی خود، ضمن ایجاد

مسئولیت تضامنی برای این شرکت و تلقی این شرکت به عنوان مودی، نسبت به وضع عوارض

یاد شده اقدام و علیرغم اینکه صرفاً قانونگذار (مجلس شورای اسلامی) صلاحیت و اختیار وضع

محاسبه می‌باشد» به دلیل مخالفت با قانون و شرع مورد تمنی می‌باشد، شرح دلایل مستنداً و مستدلاً به لایحه ضمیمه می‌باشد.

۱- قانونگذار فهیم و حکیم در قانون اساسی آورده اند: تمامی آحاد ملت ایران در برابر قانون یکسان و از مزایای آن نیز به طور یکسان باید برخوردار باشند، به همین دلیل نمی توان قانونی وضع نمود که شامل یک عده گردد و عده ای نیز از شمول آن خارج گردند مگر به حکم و نص صریح همان قانون و یا قانون دیگر.

۲- مجلس شورای اسلامی که قانون عادی را وضع می‌نماید: مدت مرخصی زایمان را برای خانمها، ۹ ماه عنوان نموده‌اند و این مرخصی را با استحقاق حقوق و مزایا دانسته‌اند، که البته رأی شماره ۶۴ - ۱۳۹۴/۲/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز موید این مطلب می‌باشد. بنابراین همچنان که نمی‌توان مدت مرخصی زایمان را مطابق قواعد آمره ۹ ماه می‌باشد را کم یا زیاد نمود، به قیاس اولویت دوران تعهد خدمت را نیز نمی توان کم نمود، یعنی چگونه می‌شود مدت مرخصی زایمان خانمها را ۹ ماه دانست اما مدت تعهد وی را ۴ ماه منظور کرد به عبارت دیگر وقتی خانمی زایمان می‌کند به مدت ۹ ماه از مرخصی زایمان طبق قانون بهره‌مند می‌گردد ولی مدت تعهد خدمت این خانم فقط و فقط ۴ ماه محاسبه می‌گردد، مگر می‌شود به شخصی ۹ ماه مرخصی با حقوق و مزایا طبق قانون تعلق گیرد ولی این ۹ ماه در سنوات و بازنشستگی وی موثر نباشد که اگر این گونه باشد مخالف قانون کار و قانون اساسی و قانون می‌باشد.

به سخن دیگر اگر قانونگذار مرخصی زایمان را ۹ ماه دانسته و آن را مرخصی استحقاقی بر شمرده باید مطابق قانون مزایای آن نیز به شخص تعلق گیرد زیرا از مزایای مرخصی استحقاقی دریافت تمام مزایا می‌باشد، پس نمی توان شخص را از بعضی از مزایای مرخصی استحقاقی محروم و از بعضی جهات آن را اعمال نمود بدین جهت اگر قابل باشیم مرخصی زایمان مرخصی استحقاقی می‌باشد، بنابراین از تمام مزایای آن باید استفاده شود که یکی از آنها تعلق گرفتن مدت مرخصی به طور کامل در دوران تعهد می‌باشد، به نظر می‌رسد در این دستورالعمل مقام وزارت تعهد خدمت مستخدمین ارجح و بالاتر از قانون می‌باشد و از منظر قانون باید به شخصی که زایمان نموده ۹ ماه مرخصی استحقاقی داده شود ولی دوران تعهد این شخص ۹ ماه محاسبه نشود و فقط ۴ ماه در نظر گرفته شود که با روح حاکم بر قوانین و شرع مقدس و انور و حتی سند تنظیم جمعیت نیز کاملاً مخالفت دارد با شرح بالا ابطال بند ۲ دستورالعمل شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ مقام عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدین نص که «۲- در هر زایمان به ازای هر فرزند مدت ۴ ماه از مرخصی زایمان به‌عنوان خدمت دوره تعهد کلیه متخصصین عام یا خاص (اعم از هیأت علمی و غیرهیأت علمی) قابل محاسبه می‌باشد» و اصلاح آن به ۹ ماه مورد استدعاست.»

ج) خانم یسری جهانگیری به موجب دادخواستی ابطال بند ۲ دستورالعمل شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام احتراماً به استحضار می‌رساند که اینجانب یسری جهانگیری پزشک متخصص و شاغل در دانشگاه علوم پزشکی تهران و تعهد خدمتی ۸ ساله نیز به این دانشگاه داشته که این دوره از مورخ تیر ماه ۱۳۹۱ شروع و هم اکنون نیز ادامه دارد. شایان ذکر است اینجانب در مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۲ با تولد فرزندم از مزایای مرخصی استعلاجی زایمان بهره‌مند می‌شده‌ام. اما متأسفانه دانشگاه از ارائه مرخصی خودداری نموده است و پس از پیگیریهای از وزارت طی بخشنامه‌ای به شماره ۱۰۰/۴۰۴ - ۱۳۹۴/۵/۱۷ اشعار داشته که متخصصین متعهد عام یا خاص می‌توانند مطابق مصوبه ۹۲۰۹۱/ت۹۲۰۹۱-۴۶۵۲۷هـ - ۱۳۹۲/۴/۱۹ از مرخصی زایمان با رعایت مقررات مربوطه استفاده نمایند.

۲- در هر زایمان به ازای هر فرزند ۴ ماه مرخصی زایمان به عنوان خدمت دوره تعهد کلیه متخصصین عام یا خاص (اعم از هیأت علمی و غیرهیأت علمی) قابل محاسبه می‌باشد.

۳- میزان استفاده از تسهیلات مذکور در بندهای فوق‌الذکر در سقفهای تعیین شده به درخواست افراد مشمول قابل تغییر است. همچنین مادرانی که سن فرزند آنان در تاریخ مذکور به ۹ ماهگی نرسیده است می‌توانند از این دستورالعمل استفاده نمایند و مدت مرخصی آنان تا ۹ ماهگی نوزاد قابل محاسبه در دوره تعهد می‌باشد. کاهش ساعات کار دوره شیردهی مطابق قوانین شامل کلیه متخصصین متعهد می‌باشد.

حال نظر به اینکه به موجب بندهای (الف) و (ب) و (پ) ماده ۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ با اصلاحات بعدی کسانی که به موجب حکم رسمی مکلف به اشتغال در دستگاه‌های دولتی می‌گردند مستخدم رسمی دولت تلقی می‌شوند و به‌موجب ماده ۱۵۱ همان قانون خدمت تمام وقت در وزارتخانه‌ها از لحاظ تعیین پایه و بازنشستگی و وظیفه جزء خدمات دولتی محسوب و منظور خواهد شد، بنابراین با توجه به اینکه به موجب حکم کارگزینی اینجانب مشغول به خدمت تمام وقت در دستگاه دولتی می‌باشد هر چند که دوره تعهدات خود را سپری می‌نمایم لیکن مستخدم دولت تلقی می‌شود و از کلیه مزایای آن از جمله سنوات بازنشستگی برخوردار می‌شوم لذا از آنجا که به موجب تبصره ۲ قانون اصلاح

نامه شماره ۱۹۶۶ - ۱۳۹۶/۳/۲۱ اقدام غیرقانونی و بلاوجه خود را این گونه توجیه نموده: «... عوارض مورد مطالبه این شهرداری با عوارض پیمانکاری مورد نظر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دارای ماهیتی مجزا بوده و عوارض پیمانکاری معمولاً از پیمانکاران و در قبال صورت وضعیت‌های آنان مطالبه می‌گردد و نظر به این که پیمانکاران نسبت به اخذ ۹٪ مالیات بر ارزش افزوده از کارفرمایان و واریز آن به حساب‌های مربوط اقدام می‌نمایند لذا دیگر از همان محل نایستی عوارض دیگری را پرداخت نمایند ولیکن این در حالی است که عوارض مورد مطالبه این شهرداری براساس ۸٪ حق بیمه پرداخت شده آن مودیان برای نیروهای انسانی خود مطالبه شده است...»

در رد توجیه باطل و بلاوجه شهرداری خارگ اشعار می‌دارد: همان گونه که حضرت عالی به عنوان بالاترین مقام قضایی دیوان عدالت اداری تصدیق می‌فرمایند؛ مبنای آراء صادره از هیأت عمومی آن دیوان، غیرقانونی بودن وضع عوارض (از جمله عوارض شهرداری) بر کلیه موضوعاتی است که تکلیف آن در قانون مالیات بر ارزش افزوده تعیین کرده و استدلال هیأت عمومی مذکور در بطلان تعرفه‌های عوارض شهری مربوطه، نیز عدم رعایت منع قانونی مصرح مندرج در مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد و در این زمینه روش و فرمول محاسبه و یا وضع عناوین مختلف توسط شوراهای اسلامی، تأثیری در رفع ممنوعیت قانونی مزبور ندارد. در تعرفه مورد اعتراض سعی شده از طریق کاربرد عناوین متفاوت و استفاده از فرمول خاص، حقیقت را قلب و موضوع عوارض مذکور را چیزی غیر از عوارض پیمانکاری جلوه دهند در حالی که:

اولاً: عوارض استنادی شهرداری خارگ، مشخصاً با هدف اخذ عوارض از پیمانکاران وضع گردیده و اقدام نهاد موصوف در مطالبه آن بر مبنای نامه‌های شماره ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰ همگی مورخ ۱۳۹۶/۱/۷ از پیمانکاران طرف قرارداد با این شرکت، موید این امر می‌باشد.

ثانیاً: محاسبه مبالغ مندرج در مکاتبات فوق‌الذکر براساس حق بیمه پرداخت شده توسط پیمانکاران طرف قرارداد با این شرکت به سازمان تأمین اجتماعی، طبیعتاً مبتنی بر قرارداد پیمانکاری صورت گرفته است.

ثالثاً: همان گونه که فوقاً نیز تبیین گردید؛ اختصاص فرمول و عنوان خاص در تعرفه مورد اعتراض جهت اخذ عوارض بر قراردادهای پیمانکاری به عنوان یک تغییر شکلی، تأثیری در ماهیت غیرقانونی عوارض موصوف ندارد و به دلیل الزام پیمانکاران و کارفرمایان به پرداخت عوارض مذکور، مبلغ آن در هر حال از مبلغ پیمان (محل صورت وضعیتها) پرداخت خواهد شد کما اینکه بند چهارم تعرفه مورد اعتراض در این خصوص صراحت دارد: «... کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و نهادها و سازمان‌های عمومی، دولتی و غیردولتی و ... که از فعالیت این گونه اشخاص استفاده می‌نمایند به عنوان مودی شناخته شده و باید عوارض این تعرفه را از طرف دیگر کسر و به حساب شهرداری خارگ واریز نمایند و در پایان فعالیت مربوطه تسویه حساب نهایی فعال را منوط به ارایه مفصاحساب شهرداری خارگ نمایند...»

رابعاً: فقط مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانونگذار، صلاحیت و اختیار وضع قانون در خصوص تکلیف دستگاه‌های اجرایی به کسر کسور قانونی را دارد که در همین راستا قانونگذار به موجب ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی کلیه دستگاه‌های اجرایی را مکلف به کسر پنج درصد از هر صورت وضعیت پیمانکاران و مشاوران و نگهداری مبالغ مکسوره به همراه آخرین صورت وضعیت قطعی تا زمان ارایه مفاصا حساب از سازمان تأمین اجتماعی نموده است همچنین ماده ۱۰۴ قانون مالیاتهای مستقیم نیز دستگاه‌های اجرایی را مکلف به کسر مالیات علی‌الحساب از صورت وضعیتهای پیمانکاران و مشاوران نموده بود که به موجب اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم از ابتدای سال ۱۳۹۵ کسر مالیات از صورت وضعیت پیمانکاران و مشاوران منتفی شده است بنابراین ملاحظه می‌فرمایید؛ شورای اسلامی شهر خارگ، خارج از صلاحیت و اختیارات قانونی خود مبادرت به تصویب تعرفه مورد اعتراض و تکلیف این شرکت به کسر ۹ درصد حق بیمه از محل صورت وضعیتهای پیمانکاران کرده است که این اقدام شورای اسلامی شهر نوعی قانون‌گذاری و خارج از صلاحیت و اختیارات شورای اسلامی شهر خارگ می‌باشد. همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید؛ عبارات به کار رفته در شرح تعرفه استنادی شهرداری خارگ کاملاً گویا بوده و بیانگر وضع عوارض بر قراردادهای پیمانکاری و کسر عوارض ادعایی شهرداری مزبور از محل مطالبات پیمانکاران (صورت وضعیتها) می‌باشد. نکته بسیار حائز اهمیت آن است که ممنوعیت وضع عوارض بر قراردادهای پیمانکاری به صورت عام و علی‌الطلاق بوده و در مقررات مورد اشاره (مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده) هیچ گاه مقید به قید خاصی از جمله منع انحصاری عوارض بر صورت وضعیتها و یا منوط به ممنوعیت فرمول خاص و مباح بودن سایر روش‌های اخذ عوارض نگردیده بلکه قانونگذار به جهت تنظیم و تنسيق اخذ عوارض از قراردادهای موصوف و جلوگیری از افزایش بی رویه هزینه انجام پروژه‌ها و تأمین کالا و خدمات ناشی از مطالبه عوارض متعدد، نسبت به پیش بینی مواد

قانون و تکلیف دستگاه‌های اجرایی به کسر کسور قانونی و عوارض از محل صورت وضعیت و مطالبات پیمانکاران و مشاوران را داشته ولی شورای اسلامی شهر خارگ برخلاف قانون و خارج از اختیارات و صلاحیت قانونی خود، شرکت پایانه‌های نفتی ایران (به عنوان یک شرکت دولتی و ملی) را مکلف کرده نسبت به کسر عوارض یاد شده از محل صورت وضعیت پیمانکاران اقدام نماید و تسویه حساب پیمانکاران طرف قرارداد را منوط به ارائه مفاصا حساب شهرداری نماید و ضمانت اجرای عدم کسر عوارض شهرداری را پرداخت از محل منابع مالی این شرکت پیش بینی کرده است بر همین اساس ضمن جلب توجه آن مقام به لایحه تفصیلی پیوست دادخواست حاضر صدور حکم شایسته دال بر ابطال تعرفه شماره ۵۰۴ - ۹۶ موضوع ابلاغ مصوبه شماره ۱۷/۸۰۷/ش خ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ از محضر آن مقام مورد استدعاست.»

متعاقباً مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران به موجب لایحه تکمیلی شماره ۹۶/۱/۱۰۳۵ - ۱۳۹۶/۱۲/۷ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقا بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: تقاضای ابطال اقدامات شهرداری خارگ در خصوص مطالبه عوارض ادعایی استفاده از خدمات عمومی توسط اشخاص و صدور حکم بطلان تعرفه موضوع آن باسلام،

احتراماً پیرو دادخواست تقدیمی به آن دیوان مطالب ذیل جهت استحضار، تنویر موضوع و صدور رأی شایسته دال بر ابطال تعرفه‌های شورای اسلامی شهر خارگ و اقدامات شهرداری در مطالبه عوارض غیرقانونی ایفاد می‌گردد:

مقدمه:

شرکت پایانه‌های نفتی ایران به عنوان یک شرکت صد در صد دولتی (از شرکتهای فرعی و تابعه شرکت ملی نفت ایران دارای اساسنامه و شخصیت حقوقی مستقل) عهده دار امور زیربنایی و محور توسعه و پیشران صنعت کشور و وظایف حاکمیتی و سیاستگذاری خود در حوزه ذخیره سازی و صادرات نفت خام و میعانات گازی کشور و نگهداری مخازن نفت خام و اسکله‌های صادراتی و هماهنگی و نظارت بر واردات نفت (SWAP) به کشور در مناطق خارک بوشهر، عسلویه، ماهشهر، نکه، جاسک، تهران و..... بوده و بر این اساس حوزه فعالیت آن ملی و کشوری بوده و براساس نامه شماره ۲۶۸۲۹ - ۱۳۹۳/۳/۱۸ سازمان برنامه و بودجه کشور، در زمره دستگاه‌های ستادی و ملی محسوب شده است، لیکن علیرغم این موضوع، شهرداری خارگ به واسطه تعرفه‌های مصوب شورای شهر خارگ (و از جمله تعرفه مورد اعتراض) نسبت به مطالبه عوارض از این شرکت تحت عنوان تعرفه عوارض استفاده از خدمات عمومی توسط اشخاص اقدام نموده که اقدام شورای اسلامی شهر خارگ در وضع عوارض یاد شده و مطالبه شهرداری خارگ به جهات و دلایل ذیل محکوم به بطلان می‌باشد:

۱- مغایرت آشکار مطالبه عوارض شهرداری از قراردادهای پیمانکاری با مقررات جاری در نظام حقوقی کشور و علی‌الخصوص مواد (۵۰) و (۵۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده، مبنای تعرفه مورد اعتراض با آرای متواتر و متعدد صادره از هیأت عمومی آن دیوان در خصوص ابطال عوارض بر قراردادهای پیمانکاری:

همان گونه که آن مقام قضایی مستحضر می‌باشند؛ پس از تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۳۸۷ و تعیین تکلیف نحوه اخذ عوارض از قراردادهای پیمانکاری مطابق ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده و مستند به مواد ۵۰ و ۵۲ قانون یادشده، وضع هر گونه عوارض بر قراردادهای پیمانکاری توسط شوراهای اسلامی شهر و روستا، صراحتاً ممنوع اعلام شده است و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرا متکثر و متعدد نسبت به ابطال مصوبات صادره از شوراهای اسلامی شهر و روستا، در خصوص اخذ عوارض از قراردادهای پیمانکاری اقدام کرده که از آن جمله می‌توان به دادنامه‌های شماره ۸۸۰ - ۱۳۹۴/۷/۲۱، ۴۲۵ - ۱۳۹۵/۷/۶ و نیز آراء شماره ۱۷۷۵ الی ۱۷۶۳ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ اشاره نمود. این در حالی است که شورای اسلامی و شهرداری جزیره خارگ به موجب تعرفه مورد اعتراض و مغایر با قانون مالیات بر ارزش افزوده و آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، پیمانکاران طرف قرارداد شرکت پایانه‌های نفتی ایران را مکلف به پرداخت ۸ (هشت) درصد حق بیمه پرداخت شده موضوع ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی بابت هر قرارداد، نموده و همچنین در بند چهارم تعرفه مذکور، شرکت پایانه‌های نفتی ایران (به‌عنوان یک شرکت دولتی و ملی و کشوری) را نیز به عنوان مودی قلمداد کرده است و تکلیف نموده که این شرکت مکلف است عوارض موضوع تعرفه موصوف را از طرف دیگر (پیمانکار) کسر و به حساب شهرداری مارتوئوسیف واریز نموده و در صورت عدم کسر و واریز عوارض یادشده، پیش بینی نموده که این شرکت مکلف به پرداخت عوارض از محل منابع مالی خود خواهد بود. پس از اعلام موضوع مزبور از سوی شهرداری خارگ به این شرکت، غیرقانونی بودن عوارض یاد شده و مغایرت آن با قانون و آراء صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شهرداری خارگ منعکس شده که شهرداری خارک طی

تشخیص و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.» مشخصاً و صراحتاً بر عدم صلاحیت شوراهای اسلامی شهر بر وضع عوارض غیرمحلّی و کشوری، تاکید کرده است. در همین راستا و همان گونه که در مقدمه نیز عنوان گردید؛ شرکت پایانه‌های نفتی ایران که عهده دار صادرات بیش از ۹۳ درصد نفت خام و صد درصد میعانات گازی کشور می‌باشد به عنوان یک دستگاه ستادی، ملی و فرامحلّی محسوب گردیده و این موضوع (استقرار شرکت پایانه‌های نفتی ایران در شهر تهران و تلقی آن به عنوان دستگاه ستادی، ملی، فرامحلّی) در نامه شماره ۲۶۸۲۹-۱۳۹۳/۳/۱۸- رییس امور نظارت بودجه سرمایه ای معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان برنامه و بودجه کشور) و در پاسخ به نامه شماره ۲۶/۴۱/۶۰۹۳-۱۳۹۳/۳/۹ مدیرکل دفتر فنی استانداری بوشهر، مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین با توجه به صلاحیت انحصاری شوراها در وضع عوارض محلّی مطابق مقررات مذکور و ابطال مصوبات خارج از حدود اختیارات نهاد مزبور در دیوان عدالت اداری، اقدام شورای شهر خارگ در وضع عوارض ملی و کشوری و همچنین اقدام شهرداریها در مطالبه عوارض محلّی از دستگاه‌های ملی و ستادی نیز دارای وجهت و محمل قانونی نبوده و این مهم در رأی شماره ۱۵۳۰-۱۳۹۳/۹/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تصریح گردیده و شرکت گاز استان تهران به عنوان یک دستگاه ستادی و کشوری از پرداخت عوارض معاف شده است علاوه بر این موضوع عدم وجود مجوز قانونی در وضع عوارض محلّی از سوی شورای اسلامی شهر، جهت شرکت‌ها و سازمان‌هایی که دامنه فعالیت آنها محلّی نمی‌باشد، در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۷۰۰۲۰۰۴۷۵-۱۳۹۴/۵/۲۲ شعبه دوم دادگاه عمومی شیراز (که به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۷۱۱۹۹۰۱۶۶۴-۹۴/۱۲/۲۴ شعبه نهم دادگاه تجدید نظر استان فارس نیز تأیید و قطعیت یافته است) به عنوان یک رویه قضایی قابل استناد می‌باشد. لذا از محضر آن مقام استعفا دارد به ملی، ستادی و فرامحلّی بودن فعالیت‌های این شرکت و مآلاً عدم مجوز قانونی اخذ عوارض از دستگاه‌های ستادی و فرامحلّی توجه ویژه مبذول فرموده و حکم شایسته دال بر ابطال مصوبه شورای شهر خارگ که در مغایرت آشکار با ماهیت ملی و فرامحلّی بودن این شرکت می‌باشد را صادر فرماید.

۴- لزوم توجه به فلسفه وضع عوارض و تقابل ذهنی و عرفی عوارض در برابر خدمات (عدم ارایه هرگونه خدمات توسط شهرداری خارگ به این شرکت و مآلاً عدم استحقاق شهرداری مذکور در خصوص مطالبه عوارض):

براساس اصول و قواعد حاکم بر سیستم حقوقی کشور اصل بر آن است که هر وجهی که پرداخت می‌گردد در مقابل آن کالا یا خدمتی دریافت گردد (حاکمیت اصل «عدم تبرع» و قاعده «معووض بودن روابط مالی»). بر اساس اصل مزبور در نظام حقوقی کشور هر دو طرف رابطه خلاف اصل فوق‌الاشاره مورد ذم و نکوهش قرار گرفته‌اند: هم شخصی که پرداخت‌کننده وجه بوده و معوضی در قبال آن دریافت نموده (قاعده منع ایفای ناروا) و هم طرفی که وجه را دریافت نموده و هیچ‌گونه کالا یا خدمتی را فراهم نکرده (قاعده منع داراشدن نا عادلانه). این مهم مشخص است که در صورتی که طرف اول رابطه مزبور (پرداخت‌کننده وجه) دولتی باشد موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است. قانون محاسبات عمومی در موارد متعددی (از جمله ماده ۷۱) دستگاه‌های دولتی را از پرداخت هرگونه وجه به صورت معوض و مجانی منع کرده است. توضیح آن که به جهت عدم ارایه هر گونه خدمات از سوی شهرداری خارگ به این شرکت، هرگونه پرداخت به‌نهاد مذکور در قالب عنوان کمک و اعانه قرار خواهد گرفت، چرا که لفظ عوارض بر مبنای تبادر ذهنی، عرفی و قانونی ماهیتاً دلالت بر معوض بودن می‌نماید و عوض آن ارایه خدمات شهری توسط شهرداریها بوده و در مواردی که عوض آن به هر دلیل فراهم نگردد عنوان عوارض بر آن صدق نموده و در قالب سایر تاسیسات حقوقی از نوع غیرمعوض (از قبیل کمک و اعانه و...) قرار خواهد گرفت. مزید استحضار آن مقام بر اساس «تبصره پنج ماده سه قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها»، در هر محدوده و یا حریمی که شهرداری، عوارض ساختمانی و غیره را دریافت می‌نماید، موظف به ارایه کلیه خدمات شهری می‌باشد. از طرف دیگر مطابق ماده ۵۵ قانون شهرداریها، ارایه خدماتی از قبیل تنظیفات خیابانها، کوچه‌ها و معابر، نگهداری و ترمیم فضای سبز، جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت زباله، آسفالت خیابانها، کوچه‌ها و معابر و ... از وظایف ذاتی شهرداریها می‌باشد. در این زمینه ضمن جلب توجه آن مقام به مفاد بند ۲۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری (ساختن خیابانها و آسفالت کردن پیاده‌روهای معابر و کوچه‌های عمومی و انهار و جدول‌های طرفین از سنگ آسفالت و امثال آن به هزینه شهرداری هر محل)، ماده ۷ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳ (مدیریت اجرایی کلیه پسماندها غیراز صنعتی و ویژه در شهرها و روستاها و حریم آنها به عهده شهرداری و دهیاریها و در خارج از حوزه و وظایف شهرداریها و دهیاریها به عهده بخشدارها می‌باشد ...)، تبصره ۴ ماده ۴ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها (کاشت و حفاظت و آبیاری درختان معابر، میادین، بزرگراه‌ها و پارک‌های عمومی از اهم وظایف شهرداریها می‌باشد). بند ۱۸

(۱۶) و (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده اقدام نموده که بخشی از آن متعلق حق شهرداریها از قراردادهای بیمانکاری بوده که می‌باید توسط سازمان امور مالیاتی به شهرداریها پرداخت گردد و در این راستا شوراها از وضع عوارض موازی با عوارض تعیینی در قانون مورد اشاره (از جمله عوارض بر قراردادهای بیمانکاری) منع گردیده‌اند و لذا اقدام شورای اسلامی و شهرداری خارگ در وضع و مطالبه عوارض تعرفه مورد اعتراض با منطوق صریح آمره کشور، مغایرت آشکار داشته و محکوم به بطلان می‌باشد.

۲- صلاحیت خاص و انحصاری قانونگذار در وضع مسئولیت تضامنی و غیرقانونی بودن تضامن مندرج در تعرفه مورد اعتراض به دلیل خروج اختیار مزبور از شان شوراهای اسلامی: همان گونه که جناب عالی مستحضر می‌باشید؛ بر اساس قواعد مسلم فقهی در فقه امامیه (که سیستم حقوقی کشور نیز از آن منبعث می‌باشد) اصل اولیه بر افراد مسئولیت و استقلال اشخاص بوده و مطابق قاعده فقهی حقوقی «وزر» هیچ کس مسئول اعمال غیرنمی‌باشد و در این راستا در عقود معینه هیچ‌گاه مسئولیت تضامنی پذیرفته نشده و حتی در عقد ضمان با پذیرش نقل ذمه به ذمه، مدیون از پرداخت دین بری گردیده و قانونگذار با اقتباس از حقوق خارجی و در موارد بسیار محدودی (ماده ۲۴۹ قانون تجارت و ماده ۳۷ قانون تأمین اجتماعی) قائل به ایجاد تضامن دو نفر راجع به یک دین گردیده است. در همین زمینه توجه آن مقام به منطوق مواد (۴۰۳) و (۴۰۴) قانون تجارت جلب می‌نماید: «ماده ۴۰۳: در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.» «ماده ۴۰۴: حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامناً مسئول انجام تعهدی باشند.» همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید؛ قانونگذار در مقررات فوق‌الاشاره مجدداً بر «اصل فردی بودن مسئولیت» و «استثنا بودن مسئولیت تضامنی» تأکید نموده و مواردی که می‌توان دین واحدی را بر عهده دو فرد، به‌نحو تضامن قرار داد، را منحصرأ به تصریح قانونی (مانند ماده ۲۴۹ قانون اخیرالذکر و ماده ۳۷ قانون تأمین اجتماعی) و یا قراردادهای خصوصی (مانند انواع قراردادهای بانکی که ضامن و وام‌گیرنده هر دو متضامناً مسئول پرداخت هستند) نموده است. بنابراین ایجاد مسئولیت تضامنی برای افراد یا نیازمند انجام توافقات قراردادی و ابراز قصد انشاء در این زمینه بوده و یا می‌باید توسط قانونگذار (مجلس شورای اسلامی) وضع گردد و در غیراین دو صورت هیچ شخص یا مقام دیگری نمی‌تواند برای افراد مسئولیت تضامنی ایجاد نماید. در حالی که شورای شهر خارگ به موجب بند چهارم تعرفه مورد اعتراض، بدون داشتن هرگونه صلاحیت و اختیار قانونی، بیمانکاران و کارفرمایان را به‌نحو تضامن مسئول پرداخت عوارض ادعایی موضوع تعرفه مذکور کرده است، زیرا مطابق مندرجات بندهای ۱ و ۴ تعرفه موصوف، در آن واحد، بیمانکار و کارفرما هر دو مسئول پرداخت و مودی معرفی گردیده‌اند که با عنایت به مراتب پیش گفته و لزوم رعایت قواعد آمره جاری در نظام حقوقی کشور و صرف نظر از تاکید بر ایراد موضوع بند یک و سایر بندهای لایحه حاضر بر تعرفه یادشده، اختیار ایجاد مسئولیت تضامنی، خارج از صلاحیت و اختیارات قانونی شوراهای اسلامی شهر و روستا بوده و شایسته نقض و ابطال از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خواهد بود.

۳- ستادی، ملی و فرامحلّی بودن حوزه فعالیت این شرکت (صلاحیت انحصاری شوراها در وضع عوارض محلّی و تبعاً عدم اختیار شهرداری در اخذ عوارض از نهادهای ستادی و ملی و فرامحلّی):

براساس تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی وصول و برقراری عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارایه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱ و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، شوراهای اسلامی منحصرأ دارای اختیار وضع عوارض محلّی می‌باشند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعددی (و از جمله آراء ۷۲۴ و ۷۵۹ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۱، ۵۳ و ۵۴ - ۱۳۹۵/۲/۲۷، ۱۶۸۱ الی ۱۷۳۵ - ۱۳۹۳/۱۰/۸) مصوباتی از شوراها را که خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات ایشان وضع گردیده را ابطال کرده است و صرفاً با احراز شرایط صلاحیت شوراهای اسلامی شهرها را در وضع عوارض محلّی پذیرفته است. رأی شماره ۸۱۶ الی ۸۳۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که مقرر داشته: «مطابق بند ۱۶ ماده ۷۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تصویب لوایح، برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن از جمله وظایف شوراهای اسلامی شهرها است» و حکم مقرر در تبصره ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ دلالت بر آن دارد که شوراهای اسلامی شهر صرفاً برای تصویب عوارض محلّی صلاحیت دارند. با عنایت به مقررات فوق‌الذکر و این که حوزه فعالیت بانکها غیرمحلّی و کشوری است، مصوبات شوراهای اسلامی شهرها به شرح مندرج در گردش کار، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی

وضع هر گونه عوارض از سوی شورای اسلامی شهر خارک و مطالبه و دریافت عوارض از سوی شهرداری خارک فاقد محمل و وجاهت قانونی می‌باشد.

ثانیاً: عنوان مندرج در صدر متن مزبور (آگهی مجدد) فاقد مستند اثباتی می‌باشد، چرا که شهرداری خارک هیچ گاه حریم، محدوده و طرح ادعایی هادی خارک را آگهی ننموده و لذا با عنایت به جایگاه شهرداری مذکور در خصوص این موضوع (جایگاه مدعی) و مستنداً به قاعده فقهی حقوقی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر»، عدم ارایه ادله اثباتی انجام این مهم، توسط شهرداری خارک به طریق قانونی آن (انتشار از طریق روزنامه) موجبات بطلان ادعای مطروحه را فراهم ساخته است.

ثالثاً: با عنایت به مفهوم آگهی که دلالت بر لزوم اطلاع رسانی کامل و دقیق از مندرجات آگهی به مخاطب می‌نماید و نیز امعان نظر به موضوع آگهی مذکور در ماده ۹۹ قانون شهرداری (نقشه حریم)، مندرجات منعکس در روزنامه فوق‌الاشاره صرفاً مشعر بر چاپ برخی مکاتبات مربوط به تصویب حریم بوده و به جهت عدم انتشار نقشه حریم هیچ گونه ارتباطی با اجرای حکم قانونگذار مذکور در مقرر موصوف قانونی ندارد.

رابعاً: با توجه به اصول و قواعد حاکم بر سیستم حقوقی کشور و از جمله قاعده «قیح عقاب بلا بیان» و به ویژه «منع عطف به ماسبق شدن قوانین»، اقدام شهرداری خارک در فرض محال اجرای حکم ماده ۹۹ قانون شهرداری، ناظر به آینده بوده و تحت هیچ شرایطی قابلیت تسری و تعمیم به گذشته (و از جمله پرونده حاضر) نداشته و این امر (آگهی مجدد حریم، طرح هادی و محدوده شهر خارک در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۲) مبین پذیرش تفسیر صحیح قانونی از قسمت اخیر ماده ۹۹ قانون شهرداری توسط شهرداری خارک بوده و مشخصاً دلالت بر بطلان کلیه اقدامات قبلی شهرداری و شورای شهر خارک و از جمله وضع و تصویب عوارض موضوع مصوبه مورد اعتراض می‌نماید و پس از اقدام مذکور (آگهی ناقص مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۲) شهرداری خارک نمی‌تواند تفسیر قبلی خود از مقرر مورد اشاره را جهت عدم اقدام قانونی در خصوص عدم آگهی حریم را به عنوان توجیه ارایه نماید چرا که این موضوع با اقدام شهرداری خارک متعارض خواهد بود. بنابراین با توجه به عدم انتشار حریم و محدوده ادعایی شهرداری خارک در روزنامه، اقدام شورای شهر خارک در تصویب عوارض شهرداری مغایر با نص صریح قانون بوده و ملاً محکوم به بطلان و شایسته ابطال از سوی دیوان عدالت اداری می‌باشد.

۶ - عدم امکان تسری مقررات مربوط به پرداخت عوارض شهرداری به شرکت پایانه‌های نفتی ایران (به عنوان یک شرکت فرعی تابعه شرکت ملی نفت ایران):

الف) شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های فرعی و تابعه آن به موجب مصوبه شماره ۴۸۳۸ - ۱۳۶۴/۲/۲۲ هیأت وزیران از زمره شرکت‌هایی است که شمول قوانین و مقررات بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام آنهاست. همچنین شرکت ملی نفت ایران به موجب ماده (۵۷) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶/۳/۱۷، جزء در مواردی که صریحاً مقرر شده باشد از شمول مقررات و قوانین عمومی مربوط به وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و موسسات وابسته به دولت مستثنی شده است ضمناً شرکت‌های تابعه و فرعی آن نیز مطابق بند (ب) ماده (۵) قانون اساسنامه مذکور، از کلیه معافیتها و مزایای مقرر در اساسنامه، از جمله لزوم تصریح نام در قوانین و مقررات عمومی جهت لازم‌الاجرا بودن آنها، بهره مند خواهد شد. شایان ذکر است مفاد ماده (۵۷) قانون اساسنامه سال ۱۳۵۶ در ماده (۸۳) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ نیز تصریح شده است و بر این اساس هیچ گونه مطالبه دیگری از شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و فرعی آن تحت عناوین حق بیمه قراردادهای خدماتی و نیروی انسانی و ... جایز و قابل وصول نمی‌باشد، به علاوه آن که مطالبه مبالغی مبهم تحت عنوان ۸٪ حق بیمه قراردادهای و تلقی شرکت پایانه‌های نفتی ایران به عنوان مودی و ایجاد مسئولیت تضامنی برای شرکت دولتی خارک از اختیارات شورای اسلامی شهر در وضع عوارض محلی موضوع قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات آن شوراها است.

ب) رویکرد و رویه قانونگذار در تدوین قوانین و مقررات عمومی نیز موید دیدگاه موجود در قانون اساسنامه به شرح فوق می‌باشد بر این اساس در صورتی که نظر بر شمول و تسری قوانین و مقررات عمومی بر شرکت‌هایی مستلزم تصریح نام مانند شرکت ملی نفت ایران باشد، قانونگذار نام آنها را صراحتاً در متن قوانین و مقررات مذکور، درج می‌نماید که با توجه به کثرت متون قانونی که با تصریح نام شرکت ملی نفت ایران اراده قانونگذار مبنی بر شمول قانون بر شرکت ملی نفت ایران را هویدا می‌سازد، جایی برای تردید باقی نمی‌ماند که شمول قوانین و مقررات عمومی بر شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و فرعی آن مستلزم تصریح نام شرکت ملی نفت ایران می‌باشد و لذا با توجه به عدم تصریح نام شرکت ملی نفت ایران، احکام مربوط به پرداخت عوارض شهرداری به شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و فرعی آن تسری نخواهد داشت. همچنین بر اساس بندهای (الف) و (ب) ذیل تبصره (۱) ماده (۸۳) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب

ماده ۵۵ قانون شهرداری (وظیفه شهرداری در ایجاد میادین عمومی فروش ارزاق و ...) و با تاکید بر اینکه ایجاد و نگهداری تاسیسات آتش نشانی در شهرها بر عهده شهرداریها می‌باشد، خاطر نشان می‌سازد به جهت عدم خدمات رسانی مطلق شهرداری خارک، بخش عمده ای از بودجه این شرکت در راستای انجام خدمات شهری از قبیل احداث، توسعه و آسفالت معابر، انجام خدمات نگهداشت، ایجاد و ترمیم فضای سبز و نیز جمع آوری، بازیافت و امحاء پسماندهای خانگی و خدمات ایمنی و آتش نشانی هزینه می‌گردد و علی‌رغم انجام خدمات شهری توسط این شرکت، متأسفانه شورای اسلامی شهر و شهرداری خارک بدون ارایه هیچ گونه خدمات شهری به این شرکت، مبادرت به وضع و مطالبه عوارض شهرداری می‌نمایند که این اقدام شورا و شهرداری خارک در تقابل و مغایرت کامل با «تبصره پنج ماده سه قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها» می‌باشد. متأسفانه علیرغم ظهور مقررات و اصول پیش گفته، شورای شهر خارک نسبت به وضع تعرفه‌های عوارض مورد اعتراض اقدام نموده و شهرداری خارک نیز مستند به تعرفه‌های مذکور، عوارض هنگفت و قابل ملاحظه‌ای را از این شرکت مطالبه کرده است، بنابراین با توجه به لزوم رعایت اصل «عدم تبرع»، «منع ایفای ناروا و منع دارا شدن ناعادلانه» و قاعده «معض بودن روابط مالی افراد»، «تقابل و تبادل ذهنی و عرفی خدمات و عوارض»، عدم ارایه هر گونه خدمات شهری از سوی شهرداری خارک و تحمیل هزینه‌های هنگفت انجام خدمات شهری به این شرکت، پرداخت هر گونه عوارض به شهرداری توسط این شرکت به شهرداری مصداق بارزی از پرداخت مضاعف از محل بودجه عمومی و بیت المال مسلمین بوده و تعرفه‌های مذکور نیز به جهت مغایرت واضح با این مهم محکوم به بطلان می‌باشد.

۵ - عدم آگهی حریم و محدوده ادعایی خارک توسط شهرداری خارک و عدم امکان مطالبه هر گونه عوارض توسط شهرداری مذکور:

قسمت اخیر بند ۲ ماده ۹۹ قانون شهرداری این گونه مقرر نموده: «... حریم و نقشه جامع شهرسازی و مقررات مذکور پس از تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور برای اطلاع عموم آگهی و به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.» در خصوص منطوق قانونی فوق‌الذکر موارد ذیل شایان ذکر است:

۵ - ۱ - یکی از اصول و قواعد فقهی حاکم بر تفسیر متون فقهی «اصل تبادل» می‌باشد که بر مبنای آن اولین معنایی که از واژه «اطلاع عموم آگهی» در ذهن متبادر می‌گردد معنای مورد نظر قانونگذار دال بر انتشار در روزنامه می‌باشد، نظر به اینکه واژه «آگهی» عرفاً همواره دلالت بر انتشار از طریق روزنامه می‌نماید، تعبیر آگهی به معنای غیرمرتبط در این خصوص نیازمند تصریح قانونی بوده که در این زمینه فراهم نشده است.

۵ - ۲ - علاوه بر این حکم مقرر فوق‌الذکر دارای دو موضوع می‌باشد (۱ - حریم و نقشه جامع شهرسازی ۲ - مقررات مذکور {موارد اشاره گردیده در بند موصوف}) که آگهی مورد دوم قطعاً و منحصراً از طریق روزنامه میسر می‌باشد، این در حالی است که قانونگذار در نص مذکور هر دو موضوع را داخل یک حکم بیان نموده و هیچ گونه تقيیدی در مورد اجرای موضوع اول حکم قایل نشده و بر این اساس مطابق «اصاله الظهور» و «اصاله الاطلاق و العموم»، تقيید حکم مقنن در مورد موضوع اول و حکم به انتشار از طرق مواردی غیر از روزنامه نیازمند تصریح قانونی می‌باشد که چنین تصریحی در قانون وجود ندارد.

۵ - ۳ - قانونگذار هدف از اجرای حکم مارا اشاره را لزوم اطلاع عموم بیان نموده و واژه عموم را مقید به مردم شهر و یا محل خاص دیگری ننموده و به لحاظ رعایت اصل عموم و اطلاق، تقيید عبارت مذکور به اهالی محل انتشار حریم، فاقد هرگونه صراحت و مجوز قانونی می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه آگهی متضمن اطلاع عموم صرفاً بواسطه نشر در روزنامه میسر می‌گردد، هر گونه ادعای اقدام دال بر رعایت مقرر یادشده در چارچوبی غیر از انتشار از طریق روزنامه محکوم به بطلان می‌باشد.

۵ - ۴ - نظر به اینکه شهرداری خارک در صفحه سوم روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۲ آگهی حریم، طرح هادی و محدوده شهر خارک را منتشر کرده است، ذکر نکات ذیل در خصوص اقدام اخیر شهرداری خارک الزامی است:

اولاً: اقدام اخیر شهرداری خارک در واقع مفید این معنا و اقرار و اعتراف و اذعان به این مطلب است که شهرداری خارک نیز تفسیر صحیح قانونی از مفاد ماده ۹۹ قانون شهرداری و ظهور و تبادل عرفی واژه آگهی به روزنامه را پذیرفته و سعی نموده اقدامات خود را با مقررات قانونی و از جمله ماده ۹۹ قانون شهرداری منطبق سازد لیکن سعی موصوف مستند به بندهای ذیل هرگز نمی‌تواند موجب حق شهرداری موصوف جهت مطالبه عوارض قبل از انتشار آگهی حریم، طرح هادی و محدوده شهر خارک در روزنامه گردد زیرا تا زمانی که حریم و محدوده قانونی شهر خارک در روزنامه منتشر نشود، امکان مطالبه عوارض ادعایی وجود ندارد به عبارت دیگر لازمه و مقدمه واجب جهت مطالبه عوارض شهرداری، انتشار آگهی حریم و محدوده قانونی شهر خارک در روزنامه بوده که این مهم در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۲ صورت گرفته و قانوناً قبل از تاریخ یاد شده (۱۳۹۵/۸/۱۲)

متن مقرر در مورد اعتراض به قرار زیر است:

تعارف ۵۰۴ - ۹۶	پیشهاد شهادت‌داری و تصویب شورای اسلامی شهر خارگ	شماره ابلاغ مصوبه: ۱۷۸/۸۰۷/شخ
		تاریخ ابلاغ مصوبه: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳
نام تعرفه: عوارض استفاده از خدمات عمومی توسط اشخاص		
نحوه محاسبه تعرفه (به ریال) به شرح جدول زیر می‌باشد:		
معادل ۸٪ حق بیمه پرداخت شده برای نیروی انسانی = T		
توضیحات اجرایی تعرفه به شرح زیر است و کلیه اشخاص مالک، ذی‌نفع، ذی‌ربط و متقاضی مکلف به پرداخت بهای آن به حساب شهرداری خارگ می‌باشند.		
۱- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و خصوصی فوق‌الذکر که در محدوده و حریم شهر خارگ به نوعی مبادرت به فعالیت اقتصادی برای سایر اشخاص می‌نمایند، به دلیل استفاده از انواع خدمات شهرداری و ایجاد عارضه‌های مختلف، موظف به پرداخت بهای این تعرفه به حساب شهرداری خارگ می‌باشند.		
۲- عوارض فوق شامل کلیه فعالیت‌های اقتصادی اشخاص مذکور اعم از ساخت ابنیه و ساختمان، تأسیسات شهری و صنعتی، راه سازی، فنی، طراحی، اجرائی، فضای سبز حمل و نقل، مشاوره ای، مطالعاتی و تحقیقاتی، نگهداری، نیروی انسانی و غیره به‌صورت نقدی، مبادله ای، تهاوت و غیره می‌باشد و شامل آن دسته از فعالیت‌های مربوطه به خرید و فروش تولیدات نمی‌باشد.		
۳- مبنای محاسبه عوارض این تعرفه: حق بیمه پرداخت شده موضوع ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی برای نیروی انسانی می‌باشد و کلیه مشمولین موظف اند در مقابل عوارض این تعرفه به مانند حق بیمه پرداختی عمل نموده و یا هر پرداخت حق بیمه، عوارض این تعرفه را نیز به صورت غیرمستقیم (توسط استفاده‌کننده از فعالیت فعال اقتصادی) و یا مستقیم (توسط خود فعال اقتصادی) به حساب شهرداری خارگ واریز نموده و در پایان فعالیت خود مفاصاحساب شهرداری را دریافت نمایند.		
۴- کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و نهادهای و سازمانهای عمومی، دولتی و غیردولتی و ... که از فعالیت اینگونه اشخاص استفاده می‌نمایند به‌عنوان مودی شناخته شده و بایستی عوارض این تعرفه را از طرف دیگر کسر و به حساب شهرداری خارگ واریز نمایند و در پایان فعالیت فعال مربوطه تسویه حساب نهائی فعال را منوط به ارائه مفاصاحساب شهرداری خارگ نمایند. در غیراینصورت بایستی عوارض این تعرفه را از منابع مالی خود پرداخت نمایند. ضمناً وصول آن برای شهرداری خارگ از خود فعال اقتصادی به عنوان بهکار نیز بلائمه بوده و طرف مقابل آنها موظف به ارائه مستندات مربوطه به مأمورین موضوع ماده ۳۱ آیین نامه مالی شهرداریها می‌باشد.		
۵- در صورتی که فعالیت مشمول پرداخت حق بیمه نگیرد، مبنای محاسبه عوارض معادل حداقل کسور حق بیمه موضوع تعیین شده در ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی برای تعداد نیروی انسانی فعال در منطقه خارگ و موارد مرتبط با آن خواهد بود.		
۶- در صورتی که درخواست و یا قرارداد استفاده از فعالیت اقتصادی در مکان دیگری صادر و یا منعقد شده باشد ولی انجام فعالیت و یا اثرات انجام فعالیت در محدوده و حریم شهرداری خارگ باشد، عوارض مربوطه بایستی به حساب شهرداری خارگ واریز گردد.		
۷- در صورتی که مبنای پولی فعالیت فعال اقتصادی، ارزی باشد، مبلغ عوارض با نرخ ارز مبادله ای زمان تعلق عوارض، محاسبه و به صورت ریالی دریافت خواهد شد.		
۸- نظر به اینکه عوارض این تعرفه از ۱۳۹۲/۱/۱ اجرایی گردیده است لذا کلیه قراردادهایی که بعد از آن تاریخ منعقد و مرتبین مالی را بابت آنها بهکار می‌باشند، موظفند نسبت به واریز بهای آن از زمان مذکور به حساب شهرداری خارگ اقدام نمایند.		

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر خارگ به موجب لایحه شماره

۱۵/۲۵۱/شخ - ۱۳۹۷/۶/۱۹ توضیحاتی داده است که خلاصه آن به قرار زیر می‌باشد:

۱- شورای اسلامی شهر خارگ بر اساس بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده اقدام به وضع مقرر مورد شکایت کرده است و شرکت‌های مستقر در جزیره خارگ به صورت مقطعی در این منطقه فعالیت ندارند و نیروهای آنان و خانواده آنها در این جزیره از کلیه خدمات شهری استفاده می‌نمایند و مطابق بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه، تعیین سهم شهروندان در تأمین هزینه‌های خدمات عمومی و شهری و ضمانت اجرای وصول آن پیش بینی شده است.

۲- عوارض مورد شکایت از شرکت‌های طرف قرارداد با شرکت پایانه‌های نفتی وصول می‌شود و مشخص نیست که خواهان به چه علت به ملی بودن فعالیت خود اشاره می‌کند.

۳- طبق دادنامه ۱۰۵۴ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تعرفه عوارض مورد شکایت از مصادیق عوارض پیمانکاری نیست و مشابهتی با آنها ندارد. زیرا عوارض پیمانکاری از کارفرما دریافت می‌شود. در حالی که مقرر مورد شکایت دریافت عوارض از شرکت‌های طرف قرارداد کارفرما دریافت می‌شود.

۴- بر اساس بند (د) ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه، اجازه ایجاد تضامین وصول عوارض شهری به شوراهای اسلامی داده شده است و دادنامه‌های مورد استناد شاکی در خصوص عدم امکان وصول عوارض از ماخذ ملی باید توجه داشت که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه‌های اخیر خود دریافت عوارض از سازمانهای ملی و فرامحلی در فرضی که این سازمانها از خدمات شهری استفاده می‌کنند، پذیرفته است و دریافت عوارض از شرکت پایانه‌های نفتی هم بر این اساس صورت گرفته است.

۵ - شهرداری خارگ در اجرای حکم مقرر در مواد ۵۶ و ۷۳ قانون شهرداری، در شهر به ارائه خدمات عمومی پرداخته است و تعرفه مورد شکایت را در راستای دریافت هزینه این خدمات وضع کرده است.

۶ - حریم شهر خارگ در سال ۱۳۷۵ از طریق تابلو اعلانات شهرداری و پارچه نوشته اعلام شده است و طبق نظریه شماره ۳۷۴۷۵ - ۱۳۹۴/۷/۲۸ اداره قوانین مجلس شورای اسلامی پس از اطلاع رسانی حریم شهر به طرق مختلف مانند نصب پارچه نوشته، اشخاص نمی‌توانند ادعای جهل به آن کرده و از این راه نسبت به قانون تمکین ننمایند. ضمن آن که حتی در فرضی که ملکی در خارج از شهر قرار داشته باشد، باید با مراجعه به بخشدارها و دهیارهای مرتبط عوارض خود را پرداخت کند. در عین حال کل جزیره خارگ حریم شهر می‌باشد. همچنین طرح هادی شهر خارگ با حدود یکصد نقشه قابل چاپ در هیچ روزنامه‌ای نیست و افراد برای اطلاع از مفاد آن می‌توانند به شهرداری خارگ مراجعه کنند و شکایتی هم که قبلاً به خواسته ابطال محدوده و حریم شهر خارگ مطرح شده، به موجب دادنامه ۳۶۸ - ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری ابطال نشده است. در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۲ هم آگهی مجدد با توجه به وضعیت جدید شهر خارگ

مجلس شورای اسلامی، قوانین و مقررات عمومی صرفاً در مواردی به شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و فرعی آن تسری دارند که نام شرکت ملی نفت ایران در آنها ذکر شده باشد و یا در آنها مقرر شده باشد که شامل دستگاه‌های اجرایی می‌شوند که شمول قانون یا مقررات بر آنها مستلزم تصریح یا ذکر نام اوست و یا در مواردی که در اساسنامه تابع قوانین و مقررات مربوطه قرار داده شده است علیهذا با توجه به اینکه در قوانین مربوط به ضرورت پرداخت عوارض شهرداری ذکری از دستگاه‌های اجرایی مستلزم تصریح و ذکر نام نشده است لذا احکام مزبور قابل تسری و تعمیم به این شرکت نمی‌باشد.

۷- عدم انتشار و اعلام عمومی تعرفه مورد اعتراض و تبعاً عدم امکان مطالبه عوارض موضوع آن توسط شهرداری مزبور، عطف به ماسبق غیرقانونی مندرج در تعرفه مورد اعتراض:

براساس اصول و قواعد حاکم بر سیستم حقوقی کشور که بر مبنای اصل چهارم قانون اساسی مبتنی بر موازین مندرج در شرع مدون گردیده اجرای هر قانون، آیین‌نامه و هر مصوبه موجد حق و تکلیف برای افراد منوط به ابلاغ و اعلام قبلی آن می‌باشد. این موضوع در واقع حافظ حقوق فردی و اجتماعی افراد بوده که در قالب قواعدی تحت عنوان «قبح عقاب بلا بیان» و «عطف به ما سبق نشدن مقررات» در فقه امامیه و نظام حقوقی جاری، مطرح می‌گردد. براساس قواعد پیش گفته هیچ دستگاهی نمی‌تواند هیچ گونه اقدامی را مستند به حکم مندرج در قانون و یا آیین‌نامه در خصوص افراد شروع نماید مگر اینکه مستند قانونی آن قبلاً و بواسطه وسایل عرفی قانونی (نشر روزنامه) انتشار عمومی یافته باشد.

مطابق بند (ج) ماده (۱) «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸» اطلاعات عمومی به اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آیین‌نامه‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات اداری اطلاق گردیده است. ماده (۵) و (۱۱) قانون صدرالذکر مقرر داشته: «ماده ۵: موسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون

تبعیض در دسترسی مردم قرار دهند.» «تبصره - اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های گروهی به آگاهی مردم برسد.» «ماده ۱۱- مصوبه و تصمیمی که موجد حق و تکلیف عمومی است

قابل طبقه‌بندی به عنوان اسرار دولتی نمی‌باشد و انتشار آنها الزامی خواهد بود.» همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید؛ انتشار و اعلان عمومی مصوبات موجد حق و تکلیف برای افراد مطابق قانون مذکور، الزامی قلمداد شده است و تکلیف قانونی مزبور صرفاً و منحصرماً با انجام

اعلان عمومی (نشر در روزنامه) ایجاد می‌گردد. در حالی که تعرفه مورد اعتراض برخلاف مقررات پیش گفته، هیچ گاه نشر و آگاهی عمومی نیافته و بنابراین با توجه به عدم انجام تکلیف قانونی مزبور (نشر عمومی تعرفه‌های مصوب شورای خارگ در روزنامه)، هرگونه اقدام جهت مطالبه عوارض موضوع آن نیز فاقد وجاهت و مبنای قانونی می‌باشد. همچنین با

عنایت به ضرورت رعایت قاعده فقهی حقوقی «قبح عقاب بلا بیان» اثر هرگونه مصوبه موجد حق و تکلیف نسبت به آینده بوده و امکان پیش‌بینی اثر مصوبه توسط مقام ایجادکننده آن نسبت به ماقبل تصویب مصوبه مشخصاً در تعارض صریح و آشکار با موازین جاری در

سیستم حقوقی کشور قرار داشته لذا بند هشتم تعرفه مورد اعتراض که ناظر بر لحاظ امکان اخذ عوارض توسط شهرداری از ۱۳۹۳/۱/۱ می‌باشد نیز به جهت مغایرت با قواعد مسلم حقوقی موجبات بطلان تعرفه موصوف را فراهم آورده است. علی هذا با عنایت به جمیع

مراتب فوق به ویژه مغایرت آشکار مطالبه عوارض شهرداری از پیمانها با مقررات جاری در نظام حقوقی کشور و علی‌الخصوص مواد (۵۰) و (۵۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده، مبنای تعرفه مورد اعتراض با آرای متواتر و متعدد صادره از هیأت عمومی آن دیوان در خصوص ابطال عوارض بر قراردادهای پیمانکاری، صلاحیت خاص و انحصاری قانونگذار در وضع

مسئولیت تضامنی و غیرقانونی بودن ایجاد مسئولیت تضامنی مندرج در تعرفه مورد اعتراض به دلیل خروج شورای اسلامی شهر خارگ از اختیارات قانونی خود، ستادی، ملی و فرامحلی بودن حوزه فعالیت این شرکت (صلاحیت انحصاری شوراها در وضع عوارض محلی و تبعاً عدم اختیار قانونی شورای اسلامی شهر خارگ در وضع عوارض ملی و کشوری و فقدان

وجاهت قانونی در مطالبه عوارض یاد شده از نهادهای ستادی و ملی و فرامحلی)، لزوم توجه به فلسفه وضع عوارض و تقابل ذهنی و عرفی عوارض در برابر خدمات (عدم ارایه هرگونه خدمات توسط شهرداری خارگ به این شرکت و مآلاً عدم استحقاق شهرداری مذکور در

خصوص مطالبه عوارض)، عدم آگاهی حریم و محدوده ادعایی خارگ توسط شهرداری خارگ در روزنامه و مآلاً عدم امکان مطالبه هرگونه عوارض توسط شهرداری مذکور، عدم امکان تسری مقررات مربوط به پرداخت عوارض شهرداری به شرکت پایانه‌های نفتی ایران

(به عنوان یک شرکت فرعی تابعه شرکت ملی نفت ایران) و عدم انتشار و اعلام عمومی تعرفه مورد اعتراض و تبعاً عدم امکان مطالبه عوارض موضوع آن توسط شهرداری مزبور، عطف به ماسبق نمودن غیرقانونی مندرج در تعرفه مورد اعتراض و ... خواهشمند است نسبت به صدور رأی شایسته دال بر بطلان تعرفه مورد اعتراض شورای اسلامی شهر خارگ

اقدام لازم را مبذول فرمایید»

عوارض استفاده از خدمات عمومی توسط اشخاص مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۱۰۰۵ / ۱۳۹۸/۸/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۸/۷/۳۰ مورخ ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۳۲۳ با موضوع: «ابطال قسمتی از ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۷۲/ت/۱۲۰۶۶۰ - ۵۵۰۵۷۲ هـ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ هیأت‌وزیران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۳۰ شماره دادنامه: ۲۳۲۳ شماره پرونده: ۱۰۰۵/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای احمدرضا جهان اندیش

طرف شکایت: هیأت وزیران

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران موضوع تصویب نامه شماره ۵۷۲/ت/۱۲۰۶۶۰ - ۵۵۰۵۷۲ هـ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ هیأت وزیران

گردش کار: شاکي دادخواستی به طرفیت هیأت وزیران به خواسته ابطال عبارت «و دفن افراد غیرشهید» در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران موضوع تصویب نامه شماره ۵۷۲/ت/۱۲۰۶۶۰ - ۵۵۰۵۷۲ هـ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ به علت مغایرت با موازین شرع مقدس اسلام به دیوان عدالت اداری تقدیم کرده که به هیأت عمومی ارجاع شده است. متن مقرر در مورد شکایت به قرار زیر می‌باشد:

«ماده ۵: هرگونه جابه جایی قبول و دفن افراد غیرشهید یا تغییر کاربری و اجرای هرگونه طرح ساماندهی در قطعات و حریم گلزار شهدا با موافقت بنیاد امکان پذیر است.» شاکي عبارت «و دفن افراد غیرشهید» در ماده ۵ آیین‌نامه مورد اعتراض را مغایر آیه ۵۹ سوره مبارک نساء اعلام کرده و صرفاً ابطال آن را از بُعد شرعی تقاضا کرده است و مدعی شده با دفن افراد غیرشهید در گلزار شهدا، شأن و منزلت فرهنگ ایثار و شهادت و جهاد تضعیف می‌شود. در خصوص ادعای مغایرت مصوبه با شرع، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۷۳۲/۱۰۲/۱۰۲۱۹ - ۹۸/۱۰۲/۱۹ - ۱۳۹۸/۴/۱۹ اعلام کرده است که:

««اتفاق مصوبه مورد شکایت از جهت شمول نسبت به مواردی که گلزار شهدا را از صورت مرکز فرهنگی اسلامی خارج می‌کند و موجب عدم رعایت قداست و احترام شهدا و ایثارگران می‌گردد و به عبارت دیگر موجب تضعیف فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت شده و باعث فراموش شدن منزلت و حق عظیم ایثارگران بر مردم و کشور می‌گردد، خلاف سیاست‌های کلی نظام در امور «ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی» بوده و خلاف شرع می‌باشد.»»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه مطابق تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت‌های تخصصی و هیأت عمومی لازم‌الاتباع است و حسب مفاد نامه شماره ۷۳۲/۱۰۲/۱۰۲۱۹ - ۹۸/۱۰۲/۱۹ - ۱۳۹۸/۴/۱۹ قائم مقام دبیر شورای نگهبان، فقهای شورای نگهبان اطلاق مصوبه مورد شکایت را خلاف شرع تشخیص داده‌اند، بنابراین در راستای احکام قانونی مذکور و تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان اطلاق عبارت «و دفن افراد غیرشهید» در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران به علت مغایرت با شرع با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ و تبصره ۲ ماده ۸۴ و ۸۸ و ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

انجام شده است و آگهی حریم منتشر نشده است. به علاوه موضوع آگهی حریم ارتباطی با ابطال تعرفه‌های مصوب شورای اسلامی خارگ ندارد که شاکي به آن استناد می‌کند.

۷- در اجرای حکم مقرر در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و ماده ۸۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور مبنی بر اعلام مصوبات خود، کلیه تعرفه‌ها و مصوبات شورای اسلامی خارگ در سایت شهرداری بارگذاری شده است. به علاوه پس از تقاضای دریافت عوارض شهری توسط شرکت پایانه‌های نفتی، یک جلد کامل تعرفه‌های عوارض طی نامه شماره ۹۵۴۸ - ۱۳۹۴/۱۱/۸ و نامه شماره ۹۵۲۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۷ در اختیار آن شرکت گذاشته شده و ارائه تصویر تعرفه مورد شکایت توسط شاکي مؤید آن است که شاکي از مفاد تعرفه فوق آگاهی داشته است.

ب) شرکت دریا پیمان بوشهر به نمایندگی آقای غلامرضا کردی به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره ۵۰۴ - ۹۶ موضوع مصوبه شماره ۱۷/۸۰۷/ش/خ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ شورای اسلامی شهر خارگ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «احتراماً به استحضار می‌رساند شورای اسلامی شهر خارگ برابر مصوبه شماره ۱۷/۸۰۷/ش/خ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ توسط شهرداری آن شهر اقدام به وضع و مطالبه غیرقانونی عوارض استفاده از خدمات عمومی توسط اشخاص در قرارداد شماره ۳۸/۸۴/۱۰۹۱۲ خدمات حراست و حفاظت (نیروی انسانی) با شرکت پایانه‌های نفتی ایران نموده و مبنای محاسبه عوارض معادل ۸٪ حق بیمه پرداخت شده (ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی) برای نیروی انسانی تحت پوشش قرارداد تعیین کرده است. بدین وسیله معروض می‌دارد به دلایل مشروح ذیل ابطال مصوبه (تعرفه) مذکور دائر بر دریافت عوارض از قراردادهای ساخت و ابنیه - فضای سبز - حمل و نقل - تأمین نیروی انسانی را خواستارم.

۱- شورای اسلامی شهر خارگ برخلاف مواد ۳۸، ۵۰، ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده که برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی، تولیدی و ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آن تعیین شده است توسط شورای اسلامی شهرها و سایر مراجع ممنوع می‌باشد. نظر به اینکه قراردادها، معاملات عمرانی، تأمین نیروی انسانی، فضای سبز و ... و سایر موارد از مصادیق ارائه خدمات می‌باشد و با استنباط از ماده ۵ قانون مارالذکر ارائه خدمات توسط شرکتهای پیمانکاری مشمول ماده ۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد و در قانون برای آن تعیین تکلیف شده است لذا دریافت عوارض مجدد و مضاعف توسط شورای اسلامی خارگ خلاف نص صریح قانون می‌باشد.

۲- با فرض صحت فرایند مذکور عوارض متعلقه مربوط به پرسنل و اشخاص می‌باشد و هیچ ارتباطی بین پیمانکار و پرسنل به جز پرداخت حقوق و مزایا مطابق مفاد پیمان با کارفرمای اصلی وجود ندارد و شورای اسلامی و شهرداری خارگ می‌باید مستقیماً علیه اشخاص اعلام بدهی نموده و پس از قطعیت آراء و اقدامات اجرایی به این شرکت ابلاغ تا از حقوق نامبردگان کسر و به شهرداری پرداخت گردد نه اینکه بدهی حاصل از استفاده دیگران را از این شرکت مطالبه نمایند. گرچه تصویب وضع عوارض برای اشخاص بازی با قانون بوده و با علم و اطلاع و به قصد دور زدن قوانین و دریافت وجوه غیرقانونی از پیمانکاران علی‌رغم پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در این قرارداد را داشته‌اند که تقاضای ابطال آن را خواستاریم.

در پایان به استناد مواد ۱۴ و ۵ قانون دیوان عدالت اداری و در این شرایط اقتصادی با وجود ظلمهای بی‌پایان سازمان تأمین اجتماعی و امور مالیاتی و تحریمهای ظالمانه دشمنان ایران اسلامی، تورم خردکننده که هر کدام به تنهایی عاملیت برای ورشکستگی و از کارافتادگی فعالین اقتصادی بالاخص پیمانکاران می‌باشد خواستار صدور دستور موقت دائر بر توقف عملیات اجرایی مصوبه مذکور و سپس ابطال مصوبه و نقض آراء صادره مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۳۰ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به مفاد رأی شماره ۱۸۴۵ - ۱۳۹۷/۹/۲۰ هیأت عمومی که در آن وضع عوارض توسط شورای اسلامی شهر خارگ برای استفاده از خدمات توسط فعالان اقتصادی ابطال شده است و مصوبه فعلی تحت عنوان عوارض استفاده از خدمات عمومی توسط اشخاص، مشابه مصوبه ابطال شده است و فقط عنوان آن تغییر کرده است و با توجه به وضعیت خاص جزیر خارگ از حیث رفت و آمد، به کارگیری اشخاص و افراد در کارهای اقتصادی، پروژه‌های دولتی، نفتی، شرکتهای و غیره از طریق قراردادهای پیمانکاری بوده و طبق مواد ۱۶ و ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده، مالیات و عوارض شهرداری را پرداخت می‌کنند و شوراهای اسلامی در ماده ۵۰ همان قانون از وضع عوارض منع شده‌اند، بنابراین وضع عوارض بر افرادی که از طریق سازمانها، ادارات، شرکتهای خدماتی به کار گرفته می‌شوند، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و تعرفه شماره ۵۰۴ - ۹۶ از مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ شورای اسلامی شهر خارگ با موضوع